

و چیزهای دیگر است . در گفتار صداقت داشته و مورد اعتماد بود . این کتابها از اوست : کتاب مقتل الحسین بن علی (علیهما السلام) . کتاب وقعة صفین . کتاب الجمل . کتاب الحرة . کتاب مقتل امیر المؤمنین (علیه السلام) . کتاب التواین وعین الورد۱ . کتاب الاجواد . کتاب المبخلین .

بخط ابن کوفی ، نام گروهی را بدست آوردیم

که ذکرشان را بعد موکول داشته بودم

(و آنان)

خراش بن اسماعیل شیبانی (عجلی) ، مکنی بابو وعر۲ ، که محمد بن سائب کلبی از وی آموخته ، و یکی از نسابان بود ، و از کتابهای اوست : کتاب اخبار ربیعه و انسابها .

ابن زباله

از اخباریان ، و نسابان ، و این کتابها از اوست : کتاب المدینه و اخبارها۳ (کتاب الشعراء . کتاب الالقاب) .

عبدالله بن ابوسعید وراق

از اخباریان و نسابان و راویان اشعار بود . و این کتابها از اوست : کتاب العربیه . کتاب الایمان والدعاء والدواهی . کتاب المدینه و اخبارها . کتاب الشعراء . کتاب الالقاب۴ .

نصری۵

حسن بن میمون ، از بنی نصر بن قعین ، که محمد بن نطاح از وی روایت کرده ، و این کتابها از اوست : کتاب الدولة . کتاب المآثر .

۱- ف (الثواء بین وعرورده) .  
 ۲- ف (بابی رعش) .  
 ۳- ف (اخبار المدینه) .  
 ۴- ظاهراً این سه کتاب همانست که از تألیفات  
 ۵- ف (البصری) .  
 ابن زباله است .

### خالد بن خداش

بن عجلان ، مکنی بابوهیثم ، بردهٔ خاندان مهلب بن ابو صفره ، و در سال دو بیست و بیست و سه وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب الازارقه و حروب المهلب . کتاب اخبار آل المهلب .

### ابن عابد

جز این دربارهٔ او چیزی ندانیم . و از کتابهای اوست : کتاب الملوك و اخبار الامم .

### مغیره

بن محمد مهلبی . و از کتابهای اوست : کتاب مناكح (آل) المهلب .

### ابن غنام کلابی

(نامش ... ) از کوفیانی است که در روزگار ابن کناسه بود و با او سرگذشتهائی داشت . این کتابها از اوست : کتاب النسب<sup>۱</sup> . کتاب الملح .

### ابو منعم

(نامش ... ) و از کتابهای اوست : کتاب طبقات الشعراء .

### خثعمی

نامش محمد بن عبدالله . یا ، عبدالله بن محمد . از کتابهای اوست : کتاب الشعر - والشعراء .

### منجوف سدوسی

و از کتابهای اوست : کتاب العزل<sup>۲</sup> . و از فرزندان او ، غنویه سدوسی است که نامش عبیدالله<sup>۳</sup> بن فضل بن سفیان بن منجوف ، و مکنی بابو محمد از اخباریانی بود که از ابو عبیده روایت مینمود ، و بعد از سال دو بیست درگذشت . از کتابهای اوست : کتاب المائر والانساب والایام .

۲- ف (العول) .

۱- ف (النسب) .

۳- ف (عبدالله) .

### ولید بن مسلم

از صاحبان سیر و احداث ، و از کتابهای اوست : کتاب المغازی .

### فاکری

( و او ... ) . از کتابهای اوست : کتاب مکه و اخبارها فی الجاهلیة والاسلام .

### یزید بن محمد مهلبی

از شاعرانی است که ذکرش خواهد آمد . و از کتابهای اوست : کتاب المهلب و اخباره و اخبار ولده .

### ابو اسحاق

اسماعیل بن عیسی عطار ، از مردم بغداد ، و صاحبان سیر ، که حسن بن علویة قطان<sup>۱</sup> از وی روایت کرده است ، این کتابها از اوست : کتاب المبتداء . کتاب حفر زمزم . کتاب الردة . کتاب الفتوح . کتاب الجمل . کتاب صفین . کتاب الالویه . کتاب الفتن .

### ابن ابو طیفور

نامش محمد بن احمد جرجانی ، از مردم جرجان ، و از کتابهای اوست : کتاب ابواب الخلفاء و مرادش آن کسانی است که خلفاء با آنها مأنوس ، و طرف مشورت و کمک فکری بوده اند .

### ابن تمام دهقان

ابو الحسن<sup>۲</sup> محمد بن علی بن فضل بن تمام دهقان ، کوفی ، و از کتابهای اوست : کتاب فضائل الکوفه .

### ابو حسان زیادی

ابو حسان حسن بن عثمان زیادی ، از هیثم بن عدی و دیگران روایت مینمود ، و قاضی با فضل ، و ادیب با سخاوت و بخششی بود . کتابهایی تألیف کرده یا برایش تألیف کرده اند .

۱- ف (الطار) . ۲- ف (ابوالحسین) .



کتابخانه بزرگ و خوبی داشت. و از مردمان آموخت. وفاتش در سال دویست و چهل و سه در همان روزی اتفاق افتاده که حسن بن علی بن ابوجعد وفات یافت، و هشتاد و نه سال و چند ماه از عمرش گذشته بود، این کتابها از اوست: کتاب مغازی<sup>۲</sup> عروۃ بن الزبیر. کتاب طبقات الشعراء. کتاب القاب الشعراء. کتاب الالباء والامهات.

### مصعب بن عبدالله زبیری

ابو عبدالله مصعب بن عبدالله بن مصعب بن ثابت بن عبدالله بن زبیر بن عوام، وعموی زبیر بن ابوبکر، حجازی<sup>۳</sup> است که در بغداد اقامت داشت، و راوی، و ادیب، و محدث، و شاعر بود. پدرش عبدالله مرد شروری بود که نسبت بفرزندان علی علیه السلام گستاخیهای داشته، و قصه او یا یحیی بن عبدالله معروف است. وفاتش در روز چهارشنبه دوم شوال سال دویست و سی و سه بوده و ابن ابوخیثمه وفاتش را در سن هفتاد<sup>۴</sup> و شش سالگی دانسته است، این کتابها از اوست: کتاب النسب الکبیر. کتاب نسب قریش.

### اخبار زبیر بن بکر

ابو عبدالله زبیر بن ابوبکر، بکر بن عبدالله بن مصعب بن ثابت بن عبدالله بن زبیر بن عوام، از مردم مدینه و یکی از اخباریان، و نسابان، و شاعران صداقت پیشه، و راویه با جلالت قدری بود قضاوت مکه را داشت، و مکرر ببغداد آمده، و آخرین مرتبه آن در سال دویست و پنجاه و سه بود. محمد بن داود گوید: در همان سال خوردگی، و پا کدامنی، در رفتار و اشعارش جوانمردی و مروت و دلاوری را از دست نمیداد.

|   |   |
|---|---|
| عَفَّ الصَّبِيُّ مُتَجَمِّلِ الصَّبْرِ            | يَرْجُو عَوَاقِبَ دَوْلَةِ الدَّهْرِ <sup>۵</sup>             |
| جَعَلَ الْمُنَى سَبَبًا لِرَاحَتِهِ               | فِيمَا يُسْكِنُ لَوْعَةَ الصَّدْرِ <sup>۶</sup>               |
| حَتَّى إِذَا مَا الْفُكْرَ رَاجِعَهُ              | قَطَعَ الْمُنَى بِتَبِينِ <sup>۷</sup> الْهَجْرِ <sup>۸</sup> |
| فَشَكَى <sup>۹</sup> الضَّمِيرُ إِلَى جِوَانِحِهِ | بَعْضَ الَّذِي يَلْقَى مِنَ الْفِكْرِ <sup>۱۰</sup>           |

۱- ف (نودوشش). ۲- ف (معانی).

۳- ف (حواری). ۴- ف (نودوشش).

۵- عشق ورزی را رها کرد و بردباری را پیشه خود ساخت و امید خود را بعاقبت کار

بست.

۶- آرزومندی را موجب آسایش و تسکین سوزش درونی خود میدانست.

۷- ف (فتبین). ۸- و همینکه اندیشه پاو راه یافت همه آرزوها را با آشکار

گشتن هجران از دست داد. ۹- ف (یشکو).

۱۰- ولی ضمیرش بسینه شکایت از پاره چیزهایی نمود که اندیشه برایش ایجاد کرده بود.

زیر قاضی مکه بود که از دنیا رفت ، و در همانجا روز یکشنبه نه روز با آخر ذی‌عقده ، سال دویست و پنجاه و شش در سن بخاک سپرده شد و هشتاد و چهار سال زندگانی کرد . و سبب مرگش هم افتادن از بام خانه‌اش بود که استخوانهای چنبره کردن ، و رانش شکست . و فرزندش مصعب بر وی نماز گذارد ، و در تشییع جنازه‌اش محمد بن عیسی بن منصور حضور داشت . و در کنار قبر علی بن عیسی هاشمی در مقبره حجون دفن گردید ، این کتابها از اوست : کتاب اخبار العرب و ایامها ، کتاب نسب قریش و اخبارها . کتاب نوادر اخبار - النسب . کتاب الاحلاف<sup>۱</sup> . کتاب الموقیات فی الاخبار - که برای موفق تألیف کرد<sup>۲</sup> . کتاب مزاح النبی صلعم<sup>۳</sup> . کتاب نوادر المدینین . کتاب النحل - ومن آنرا بخط سکری دیده‌ام . کتاب العقیق و اخباره . کتاب (اخبار) الاوس و الخزرج . کتاب وفود النعمان علی کسری . کتاب اغارة کثیر علی الشعراء . کتاب اخبار ابن میاده .

و بنوشته ابن کوفی : اخبار حسان . اخبار الاحوس . اخبار عمر بن ابی ربیع . اخبار ابی دهب . اخبار جمیل . اخبار نصیب . اخبار کثیر . اخبار امیه . اخبار العرجی . اخبار ابی السائب . اخبار حاتم . اخبار عبدالرحمن بن حسان . اخبار هدبه و زیاده . اخبار توبه و لیلی . اخبار ابن هرمه . اخبار المجنون . اخبار القاری ، اخبار ابن الدمینة . اخبار عبدالله بن قیس الرقیات . اخبار اشعث .

## نام کسانی که زیر از آنها روایت کرد

### بنوشته ابن کوفی

از عمویش مصعب بن عبدالله ، و محمد بن حسن مخزومی ، و محمد بن ضحاک بن عثمان ، و مسلم بن عبدالله مسلم بن جندب ، و ابراهیم بن منذر ، و یحیی بن محمد بن عبدالله بن ثوبان ، و عبدالملک بن عبدالعزیز ، و یعقوب بن اسحاق ربیع ، و عثمان بن عبدالرحمن ، و بکار بن رباح و مسلمة بن ابراهیم بن هشام (مخزومی) ، و عبدالعزیز بن عبدالله (اویسی) ، و محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن عبدالحمید ، و حمید بن محمد بن عبدالعزیز زهری ، و عبدالجبار بن سعید بن (سلیمان بن) نوفل بن مساحق ، و مؤمن بن عمر بن افلح ، و علی بن مغیره ، و عبدالله بن نافع بن ثابت ، روایت کرده است .

۱- ف (الاختلاف) .

۲- ف (الفه للموفق وهو الموقیات فی الاخبار) .

۳- جب (علیه السلام) .



### اخبار جهمی

ابو عبدالله احمد بن محمد بن حمید بن سلیمان بن عبدالله بن ابوجهم بن حذیفه عبیدی ، از بنی عدی بن کعب ، معروف بجهمی برای انتساب بجدش ابوجهم بن حذیفه ؛ از حجازیانی است<sup>۱</sup> که پیغمداد آمده ، و همانجا تحصیل کرده ، وادیب ، وراویه ، و شاعر ، و آوازه خوانی<sup>۲</sup> بود . نسب و مثالب همه بزرگان را بطور زننده می شمرد ، و کتابهایی در این باره تألیف کرد . محمد بن داود گوید : سوار بن ابوشراعه برای من حکایت کرد که میان جهمی و گروهی از هواداران عمرو عثمان شری برپا شد ، چه او بزشت ترین صورتی پیشینیان آنانرا یاد کرد ، برخی از هاشمیان اعتراض کرده و او هم نسبت بعباس کلمه بسیار زشتی گفت ، این خبر که بمتوکل رسید امر کرد صد تازیانه باو زنند ، و ابراهیم بن اسحاق بن ابراهیم ویرا بتازیانه بست و همینکه از زدن فراغت یافت ، جهمی گفت .

تُبْرَى الْكُلُومُ وَ يَنْبَتُ الشَّعْرُ      وَ لِكُلِّ مُورِدٍ مَحَنَةٌ<sup>۳</sup> صَدْرُ<sup>۴</sup>

وَاللُّومُ فِي آثَابٍ<sup>۵</sup> مُنْبَطِحٌ      لَعْبِيدُهُ مَا أَوْرَقَ الشَّجَرُ<sup>۶</sup>

این کتابها از اوست : کتاب انساب قریش و اخبارها . کتاب المعصومین . کتاب المثالب کتاب الانتصار<sup>۷</sup> فی الرد علی الشموبیة . کتاب فضائل مضر<sup>۸</sup> .

### ازرقی

نامش محمد بن عبدالله بن احمد بن ولید بن عقبه ازرق ، و نام ازرق ، بنوشتۀ ابن کوفی عثمان بن عمرو بن حارث بن ابوشمر بن عمرو بن عوف بن حارث بن ربیعۀ بن حارثۀ بن حارث بن ثعلبۀ بن عنقاء بن حقبه بن عمرو بن عامر مزینیا ، و یکی از اخباریان و صاحبان سیر است از کتابهای اوست : کتاب مکه و اخبارها و جبالها و اودینها . کتابی است بزرگ .

### اخبار عمر بن شبه

ابوزید عمر بن شبه بن عبید بن ربطه ، و نام شبه زید ، مکنی یا ابو معاذ بود ، عمر گوید :

- ۱- ف (حواری) .      ۲- ف (مفتنا) جب (مغنیاً) .  
 ۳- ف (علة) .      ۴- زخمها بهبودی یابد و موها بجای خود دو باره بروید .  
 و هر رنج دهنده آمری دارد .      ۵- ف (اتراب) .  
 ۶- و نکوهش برای آن بندگان است که برخاک فتاده اند تا هر زمانی که درختان  
 برگ سبز دهند .      ۷- ف (الابتصار) .  
 ۸- ف (مصر) .

مرا باین نام خواندند برای آنکه در کودکی مادرم مرا میرقصانید ، و میگفت :

يَا يَأَى وَ شَا وَ عَاشَ حَتَّى دَبَا شَيْخًا كَبِيرًا أَحْنَا ١

عمر از مردم بصره ، و بردهٔ بنی نمیر بود ، طبع شعر داشت و از اخباریان ، و فقیهان و

مردمان صادق اللهجه است که در روایاتش خللی نداشت . و از اشعار اوست :

وَقَائِلَةٌ لَمْ يَبْقَ فِي النَّاسِ سَيِّدٌ فَقُلْتُ بَلَى عَبْدَ الرَّحِيمِ بْنِ جَعْفَرٍ ٢

و فرزندش ابوطاهر احمد بن عمر بن شبه نیز از شاعران با ظرافت و خوب ، و راویه

بود که دو سال بعد از پدرش در گذشت . و این اشعار از اوست :

نَظَرْتُ فَلَمْ أَرَ فِي الْعَسْكَرِ كَشْتُومِي وَ شَتُومَ أَبِي جَعْفَرٍ ٣

عَدَا النَّاسُ لِلْعِيدِ فِي زِينَةٍ مِنَ النُّورِ ٤ فِي مَنْظَرٍ أَزْهَرِ ٥

وَ يَنْدُو عَلَيْهِمْ بِلَا أَهْبَةِ مِرَارًا مِنَ الْمَنْزِلِ الْمُقْفَرِ ٦

فَيَقْدُ لِلشُّتُومِ فِي عَزْلَةٍ مِنَ النَّاسِ يَنْظُرُ فِي دَفْتَرٍ ٧

وفات عمر بن شبه ، در روز دوشنبه بیست و چهارم جمادی الاخر سال دویست و شصت و دو ،

در سامراء بوده و نود سال داشت . کتابهای او با ابوالحسن علی بن یحیی رسید ، چون ابو

طاهر پسرش آنها را باو فروخت . و این کتابها از اوست : کتاب الکوفه . کتاب البصره .

کتاب المدینه . کتاب مکه . کتاب امراء الکوفه . کتاب امراء البصرة . کتاب امراء المدینه .

کتاب امراء مکه . کتاب السلطان . کتاب مقتل عثمان . کتاب الکتاب . کتاب الشعر والشعراء .

کتاب الاغانی . کتاب التاريخ . کتاب اخبار المنصور . کتاب محمد و ابراهیم ابنی عبدالله بن

حسن . کتاب اشعار الشراة . کتاب النسب . کتاب اخبار ابن نمیر ٨ . کتاب ما استعجم الناس

فيه من القرآن . کتاب الاستعانة بالشعر و ما جاء في اللغات . کتاب الاستعظام للنحو و من كان

يلحن من النحويين .

١- ف (بابا و شبا ر عاش حتی دباشیخاً کبیراً احنا) .

٢- بآن کسی که گوید دیگر آقائی در میان مردم نمانده است گویم آری هست و او

عبدالرحیم بن جعفر است .

٣- در عسکر که نگاه میکنم ، بشامت خودم و ابو جعفر کسی را نمیبینم .

٤- ف (الیوم) . ٥- مردم برای عید همه با زینتی درخشان و منظرهٔ زیباتر

در آمده اند . ٦- و او بی آرایش از منزل درویشی خود بسوی آنان رود .

٧- و از روی شامت بکنج عزلتی نشسته و بدفتری نگاه میکند .

٨- ف (بنی نمیر) .

## نام کسانی که عمر از آنان

### روایت کرده است

از ابو عاصم نبیل ، و محمد بن سلام جمحی ، و هارون بن عبدالله ، و ابراهیم بن منذر  
روایت کرده است<sup>۱</sup> .

### بلادری

ابو جعفر احمد بن یحیی بن جابر بلادری ، و کنیه اش را ابوالحسن نیز گفته اند ؛ از  
مردم بغداد و جدش جابر نزد خصیب فرمانفرمای مصر کتابت میکرد ، بلادری شاعر و راویه  
بود ، و در اواخر عمر اختلال مشاعر پیدا کرد ، و در بیمارستان او را می بستند و همانجا  
در گذشت ، سبب بیماریش خوردن تمر بلادری<sup>۲</sup> از روی نادانی بوده که دچار این پیش آمد  
گردید . از هجو کردن زیاد خودداری نداشت ، و وهب بن سلیمان را برای بادی که از وی  
در محضر عبدالله بن یحیی بن خاقان ، خارج شد ، بود مورد نکوهش قرار داده و از گفته هایش  
این است .

|   |  |
|---|--|
| أَيَّا ضَرْطَةً حُسِبَتْ رَعْدَةٌ             | تَتَوَقَّ فِي سَلْهَا جَهْدَةٌ                     |
| يَقْدُمُ <sup>۳</sup> وَ هَبَّ بِهَا سَابِقًا | وَ صَلَّى أَبُو صَاعِدٍ بَعْدَهُ                   |
| لَقَدْ هَتَكَ اللَّهُ سَتْرَيْهِمَا           | كَذَى كُلَّ مَنْ يَطْعَمُ الْفَهْدَةَ <sup>۴</sup> |

این کتابها از اوست : کتاب البلدان الصغیر . کتاب البلدان الکبیر - ناتمام . کتاب -  
الاخبار والانساب . کتاب عهد اردشیر . که بشعر ترجمه کرده زیرا یکی از مترجمان فارسی  
عربی بود .

### طلحی

ابو اسحاق طلحة بن عبیدالله بن محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن محمد بن طلحة بن عبیدالله  
تمیمی ، از مردم بصره است ، و ندیم موفق بود و از روایان و اخباریان بشمار میرفت و در  
شب یکشنبه نیمه ماه ذی حجه سال دوست و نوده و یک وفات یافت و این کتابها از اوست :

۱- فلوکل اشتباها این قسمت را در اول شرح حال عمر بن شبه گذاشته است .

۲- بلادر بروزن بهادر ، بار درختی است که در دواها بکار برند (برهان قاطع) .

۳- ف (فقدت) .

۴- ضرورتی در ترجمه اشعار دیده نشد .

۵- ف (هفتاد) .



کتاب المتمعین . کتاب جواهر الاخبار .

### ابن ازهر

از اخباریان ، و نامش (ابو) جعفر محمد<sup>۱</sup> بن ازهر بن عیسی اخباری ، متولد سال دویست ، که در سال دویست و هفتاد و نه وفات یافت و هفتاد و نه سال داشته و از ابن اعرابی و دیگران آموخته بود، از کتابهای اوست : کتاب التاریخ- که از بهترین کتابهاست .

### محمد بن سلام

ابو عبدالله محمد بن سلام جمحی ، یکی از اخباریان و راویان ، و این کتابها از اوست : کتاب الفاصل فی ملح الاخبار و الاشعار . کتاب بیوتات العرب . کتاب طبقات الشعراء الجاهلیین . کتاب طبقات الشعراء الاسلامیین . کتاب الحلاب و اجراء<sup>۲</sup> الخیل .

### ابو خلیفه

فضل بن حباب بن محمد بن شعیب بن صخر جمحی بصری ، از بنی جمح (و نایبنا بود) قضاوت بصره را داشت ، و از راویان اخبار ، و اشعار ، و انساب بشمار میرفت (و بخط ابن کوفی خواندم که از محمد بن سلام جمحی نیز روایت کرده است) وفاتش در شب یکشنبه سیزدهم ماه ربیع الاول سال سیصد و پنج است و روز یکشنبه در خانه اش بخاک سپرده شد . این کتابها از اوست : کتاب طبقات الشعراء الجاهلیین . کتاب الفرسان .

### و از اخباریان - ابوالعباس

عبدالله بن اسحاق بن سلام مکاوی<sup>۳</sup> که بعلم غریب و فقه ، و آثار و اشعار معرفت خوبی داشته و شاعر صادقی بود و از اشعار اوست :

یا نعمة الله<sup>۴</sup> حلّی فی سراه<sup>۵</sup> ملک  
( و لیس ینقذاً مرا فی رعیتہ<sup>۶</sup>  
لایصلح الدین و الدنیا بقیراط<sup>۶</sup>  
حتی یشاور فیها بنت بقراط<sup>۷</sup> )

۱- ف (جعفر بن ابی محمد) .

۲- ف (اجر) .

۳- ف (مکاولی) .

۴- ف (یا نعمة الله) .

۵- ف (فی یدی) .

۶- ف (بقراط) یعنی ای کیفر خدائی بر سرای پادشاهی

فرود آیی که باندازه یک قیراط باصلاح دین و دنیای مردم نپردازد .

۷- و هیچ کاری را درباره رعایای خود انجام ندهد مگر پس از مشورت با دختر بقراط .

و مرادش قبیحه مادر معتز است . از کتابهای اوست : کتاب الاخبار و الانساب و السیر که قسمتی از آن را دیده‌ام ولی تمام آنرا ندیده‌ام .

### ابو اشعث

عزیز بن فضل بن فضالة بن مخراق<sup>۱</sup> بن عبدالرحمن عبیدالله بن مخراق ، و از کتابهای اوست : کتاب صفاة الجبال<sup>۲</sup> و الاودية و اسماءها بمکه و ماوالها<sup>۳</sup> .

### ابن ابوشیخ

نامش سلیمان ، و کنیه‌اش ابو ایوب ، از اخباریان ، و راویه‌ایست که بزرگان قوم را دیده داشت ، و نویسندگان اخبار از وی فرا گرفته‌اند . از کتابهای اوست : کتاب الاخبار المسموعه ، و من آنرا دیده‌ام .

### وکیع قاضی

ابوبکر<sup>۴</sup> محمد بن خلف بن حیان بن صدقه ، معروف بوکیع قاضی ، در آداب بر- جستگی و تقدم داشته ، و درباره نقاط قضاوت کرده بود . و پیش از اینها نزد ابو عمر محمد بن یوسف بن یعقوب قاضی کتابت میکرد . و این کتابها از اوست : کتاب اخبار القضاة و تاریخهم و احکامهم . کتاب الشریف - که به پیکره کتاب المعارف ابن قتیبه است . کتاب الانواء . کتاب الفرر . در اخبار<sup>۵</sup> . کتاب المسافر . کتاب الطريق - که آنرا النواحی هم گویند و مشتمل بر اخبار شهرها و راهها بوده و با تمام نرسیده است . کتاب الصرف<sup>۶</sup> . و النقد و السکه . کتاب البحث .

### ابوالحسن نسابه

نامش محمد بن قاسم تمیمی . از مردم بصره ، و یکی از علماء انساب است که تا کنون (حیات دارد) و این کتابها از اوست : کتاب الانساب و الاخبار . کتاب الفرس و انسابها (کتاب تاریخ سائر الامم) . کتاب المنافرات بین القبائل و اشراف العشائر و اقضية الحکام بینهم فی ذلك .

۱- ف (مخارق) .  
 ۲- ف (الخیل) .  
 ۳- جب (وماورائها) .  
 ۴- ف (ابو محمد بکر بن) .  
 ۵- ف (العزو و اخبار) .  
 ۶- ف (التصرف) .

### اشنانی قاضی

ابوالحسین عمر بن حسن بن مالک شیبانی . این کتابها از اوست: کتاب مقتل زید بن-  
 علی ( علیهما السلام ) کتاب الخیل . کتاب فضائل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب . کتاب  
 مقتل الحسن بن علی علیهما السلام .

### ابوالحسین

بن ابوعمر محمد بن یوسف . این کتابها از اوست : کتاب غریب الحدیث . بزرگ  
 و ناتمام است . کتاب الفرغ بعد الشدة .

### ابوالفرج (بن) اصبهانی

علی بن حسین بن (محمد بن) هیثم قرشی ، از فرزندان هشام بن عبدالملک ، از شاعران ،  
 و مصنفان ، و ادیبان بود ، و کمتر از کسی روایت میکرد ، و در تألیفات خود بیشتر بکتابهای  
 استناد داشت که نویسنده آن معلوم باشد و یا از روی نسخه اصلی صحیح و خوبی باشد ،  
 وفاتش در سال سیصد و شصت و اندیست ، و این کتابها از اوست : کتاب الاغانی الکبیر - در  
 حدود پنجهزار ورق . کتاب مجرد الاغانی . کتاب اشعار الاماء والممالیک . کتاب الحمادین<sup>۱</sup> .  
 کتاب الدیارات . کتاب صفة هارون ( کتاب نسب بنی عبد شمس ، از ملحقات بخط مصنف . کتاب القیان ،  
 از ملحقات است ) . کتاب مقاتل آل ابيطالب . کتاب تفضیل ذی الحجة . کتاب الاخبار والنوادر .  
 کتاب ادب السماع . کتاب اخبار الطفیلین . کتاب ادب الغرباء من اهل الفضل والادب . کتاب  
 مجموع الاثار والاخبار . کتاب الفرق والمعیار . که رساله ایست در : هارون بن المنجم بین-  
 الاوغاد والاحرار .

### جلودی

ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی جلودی ، او مردم بصره ، و از اخباریان و صاحبان سیر  
 و روایت<sup>۲</sup> است و بعد از سال سیصد و سی وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب اخبار  
 خالد بن صفوان . کتاب اخبار المعجاج ورؤبة بن المعجاج<sup>۳</sup> . کتاب مجموع قرائة امیر المؤمنین  
 علی بن ابیطالب .

۱- ف ( کتاب الحمارین والحمارات ) . ۲- ف ( وزیادات ) . ۳- ف ( ورؤبة ابنه ) .



# ( بسم الله الرحمن الرحيم )

( از خدا استعانت جویم )

فنی دوم - از مقاله سوم

در اخبار

پادشاهان ، و نویسندگان ، و خطیبان و مترسلان و کارمندان

خراج، و صاحبان دیوان ( و نام کتابهای آنان )

اخبار ( ابراهیم بن مهدی )

ابراهیم بن مهدی بن منصور بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب ، اول نایفه ایست که از بنی عباس و فرزندان خلفا ظاهر گردید ، و نویسنده و شاعر و صاحب تالیفاتی بود ، مادرش شکله از طبرستان ، و گویند دختر پادشاه طبرستان است . مهدی رنگی سیاه ، بسیاهی تند ، و هیكلی درشت و اخلاق بزرگوارانه داشت . و پیش از او در میان فرزندان خلفاء کسی بآن فصاحت و طبع شعر دیده نشده ، باضافه در موسیقی و آواز نیز هنرمند و از هر کسی برجسته تر بود . اسحاق و پس از او ابراهیم<sup>۱</sup> ، از وی فراگرفتند و مغنیان در هنر خود باو حکمیت میدادند . تولدش در سال ... و این کتابها از اوست : کتاب ادب ابراهیم . کتاب الطبیخ . کتاب الطیب<sup>۲</sup> . کتاب الغناء .

۲- ف ( الطب ) .

۱- ف ( و ابراهیم قبله ) .

## مأمون

عبدالله بن هارون بن مهدی بن منصور بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب اعلم خلفاء<sup>۱</sup> بفقہ و کلام بود ولی پپایه فصاحت برادرش محمد بن زبیده نمیرسید. و شهرتش ما را از نوشتن شرح حالش بی نیاز میدارد. و این کتابها از اوست: کتاب جواب ملك البر - غزقیها سئل عنه من امور الاسلام والتوحید. رسالته فی حجج مناقب الخلفاء بعد النبی صلم. رسالته فی اعلام النبوة.

## ابن معتمر

عبدالله بن معتمر بن متوکل بن معتصم بن رشید بن مهدی، یگانه مرد دوران خود در ادب و شعر بود، فصحاء اعرات بدیدارش میآمدند<sup>۲</sup> و او از آنان آموخته، و علما نحو و اخبار را ملاقات کرده مسموعاتش بسیار و روایاتش فراوان بوده، و کتابهای زیادی تألیف نموده که شهرتش ما را از شرح حالش بینیاز میدارد. این کتابها از اوست: کتاب الزهر والریاض کتاب البدیع. کتاب الجوارح والصيد. کتاب السرقات. کتاب اشعار الملوك. کتاب مکاتبات الاخوان بالشعر. کتاب الاداب. کتاب حلی الاخبار. کتاب طبقات الشعراء. کتاب الجامع فی الغناء. کتاب ارجوزة فی ذم الصبوح.

## ابودلف

ابودلف قاسم بن عیسی بن معقل بن ادریس عجللی، سرور و امیر قوم خود و یکی<sup>۳</sup> از ادباء و فضلا، و شعرا، بسیار خوب بود، و در آواز و موسیقی هنرمندی و شهرتی داشت. این کتابها از اوست: کتاب البزاة والصيد. کتاب النزہ. کتاب السلاح. کتاب سياسة الملوك.

## فتح بن خاقان

فتح بن خاقان بن احمد، مرد بسیار با ذکاوت، و هوش، و خوش اخلاق و از شاهزادگان بود متوکل ویرا ببرداری برگزیده و گرامیتر از تمام فرزندان و خاندان خود میشمرد. کتابخانه

۱- جب (الفقهاء). ۲- ف (یقصد) جب (یقصده).

۳- ف (اخذ عنه الادباء) جب (احدا الادباء).

داشت که علی بن یحیی بن منجم برایش جمع آوری کرد ، و بزرگتر و نیکوتر از آن دیده نشد . و خانه اش مرکز فصحاء اعراب و علماء کوفه و بصره بود .  
 ابوهفان گوید : سه نفر بودند که ندیم کسی باندازه آنها دوستدار علم و کتاب باشد و این سه نفر ، جاحظ ، و فتح بن خاقان ، و اسماعیل بن اسحاق قاضی بودند . اما جاحظ کتابی که بدست میآورد - هر چه باشد - تا باخر آن را میخواند ، و چه بسا که دکان وراقان و کتابفروشان را کرایه میکرد ، و در آنجا شب را بزم نده داری<sup>۱</sup> و خواندن کتاب میگذراند . اما فتح بن خاقان که همیشه همنشین متوکل بود ، اگر متوکل برای قضاء حاجتی برمیخواست کتابی از آستین یا بغل خود درمیآورد ، و بخواندن آن در مجلس متوکل مشغول میشد تا او باز گردد و چه بسا که در بیت الخلا نیز این کار را میکرد .  
 اما اسماعیل بن اسحاق ، نشد که من بر وی درآیم . و او را در حال زیرو رونمودن ، یا پاك کردن کتابی نبینم . وفات فتح در همان شب قتل متوکل بود که با وی کشته شد ، و این کتابها از اوست : کتاب البستان - این کتاب باو نسبت داده شد و کسیکه آن را برای وی تألیف کرد شخصی بود بنام محمد بن عبدربه و معروف براس الپفل . کتاب الصید والجراح . کتاب اختلاف الملوك . کتاب الروضة والزهر<sup>۲</sup> .

### خاندان طاهر

عبدالله بن طاهر ، از شعر او مترسلان بلیغ ، و پسر طاهر بن حسین بود ، و هریک دارای رسائل مجموعه ایست ، و رساله طاهر بن حسین بمأمون هنگام فتح بغداد مشهور و بسیار نیکوست .

### منصور بن طلحه

بن طاهر بن حسین ، که عبدالله بن طاهر ویرا حکیم<sup>۳</sup> خاندان طاهر مینامید ، و مورد اعجاب و تقدیرش بود ، و حکومت مرو<sup>۴</sup> و آمل<sup>۵</sup> و زم<sup>۶</sup> و خوارزم<sup>۷</sup> را داشت و در فلسفه

۱- ف (یثبت) جب (یبیت) .

۲- قفطی در تاریخ الحکماء او را مؤلف کتاب فلاح العقبان دانسته (ر.ک) . قفطی چاپ

اوفست ص ۶-۴) .

۳- ف (حکم) . ۴- مرو ظاهراً همان مرو شاهجانت که از شهرهای مهم خراسان

میباشد (ر.ک. معجم البلدان) . ۵- آمل در اینجا ظاهراً شهر است که باین نام در مغرب

جیحون و در راه بخارا است (معجم البلدان) . ۶- زم کلمه ایست فارسی و نام شهر

کوچکی است که کنار جیحون میان ترمذ و آمل است (معجم البلدان) . ۷- خوارزم یا خیوه

سرزمینی است در مجرای سفلی امودریا و از قدیم در تمدن آسیای مرکزی مؤثر بوده است

(مقدمه برهان قاطع بقلم آقای دکتر معین صفحه بیست و دو) .



کتابهای مشهوری دارد که از جمله کتاب المونس در موسیقی است و کندی آن را که خواند ، گفت بهمان گونه که صاحبش آن را نامیده ، ما نوس کننده است . و این کتابها از اوست : کتاب الابانة عن افعال الفلك . کتاب الوجود . کتاب رسالته فی العدد و المعدودات . کتاب الدلیل والاستدلال .

### عبدالله

بن عبدالله (بن) طاهر ، از شاعران و مترسلان امراء بوده ، و بعداً از محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر ریاست شرطه<sup>۲</sup> بغداد را داشت و سرور و رئیس خاندان خود و آخرین نفر این خاندان است که با داشتن ریاست از دنیا رفت . و این کتابها از اوست : کتاب الاشارة فی اختیار الشعراء کتاب رسالته فی السياسة الملوكیه . کتاب مراسلاته لعبدالله بن المعتز . کتاب البراعة و الفصاحة .

### نویسندگان و همکارانشان

#### نام نویسندگانی که نامه نگار بوده و نامه هایشان

##### بصورت مجموعه در آمده

#### عبدالحمید بن مروان

کاتب مروان بن محمد ، که در ابتداء آموزگار کودکان بوده ، و از شهری بشهری میرفت و نامه نگاران از وی آموختند و رویه او را پیروی کردند . و او کسی است که بلاغت را در نامه نگاری آسان کرده و در زمان خود مانندی نداشت و از مردم شهر ... در شام بود . مجموعه نامه هایش در حدود هزار ورق است .

#### غیلان ابو مروان

نامش ... و خبر وی را در مقاله متکلمان و اخبار مرجئه آورده ایم و مجموعه نامه های او در حدود دو هزار ورق است .

۱- ف (فی خلافة محمد بن عبدالله بن طاهر) جب (خلافة محمد بن عبدالله بن طاهر ..) .  
 ۲- شرطه از شرط و بمعنی محافظان و باصطلاح امروز امنیه است (اقرب الموارد) .

## سالم

مکنی بابوعلا ، کاتب هشام بن عبدالملک ، داماد عبدالحمید بود . فصاحت و بلاغتی داشت و نامه‌های ارسطو را یاسکندر ترجمه نمود . و (یا) برایش ترجمه کردند و او اصلاح کرده است ، مجموعه نامه‌های وی در حدود یکصد ورق است .

## عبدالوهاب بن علی

کاتب بلال بن ابو بردة بن ابو موسی اشعری ، مرد فصیح و بلیغی بود و نامه‌های کمی دارد .

## خالد بن ربیعہ افریقی

از نامه نگاران بلیغی است که ( هر دو دولت را درک کرد ) ، و نشو و نمايش در دیوان دولتی بود و مجموعه نامه‌هایش در حدود دویست ورق است .

## یحیی و محمد پسران زیاد

## حارثی

از فرزندان حارث بن کعب ، و هر دو شاعر و مترسل و بلیغ بودند و مجموعه نامه‌هایی دارند .

## عمارة بن حمزه

کاتب ابوجعفر منصور و برده او ، مردی متکبر و خودپسند و در عین حال ، سخاوت ، فصاحت و بلاغتی داشته و از يك چشم نابینا بود . ابوجعفر و مهدی برای رعایت حقوقی که بر آنها داشت اخلاق ناهنجار او را تحمل میکردند و او هم کارهای مهمی برایشان انجام داده بود . و از مجموعه نامه‌های او رساله الخمیس<sup>۱</sup> است که برای بنی عباس خوانده میشد .

## جبل بن یزید

کاتب عمارة بن حمزه ، از مترجمان انگشت شمار در بلاغت بود .

### محمد بن حجر

بن سلیمان ، از مردم حران<sup>۱</sup> مرد بلیغی بود و با فرمانفرمایان ارمنستان و شام برای خود مکاتباتی داشته و تألیفاتی هم دارد .

### کاتب عباس بن محمد

بن (علی بن) عبدالله ، بلیغ و نامه نگار و از مردم انبار<sup>۲</sup> بود و مجموعه از نامه های خود دارد

### اخبار عبدالله بن مقفع

عبدالله بن مقفع ، نامش در فارسی روزبه بود و پیش از مسلمان شدنش ابو عمرو کنیه داشت ، و همینکه اسلام آورد ، ابو محمد را کنیه خود قرارداد . و مقفع پسر مبارک است و سبب تقفع<sup>۳</sup> او این است که حجاج ویرا برای تصرف در اموال دولتی در بصره ، تازیانه سختی زده و از این جهت دستش خشکیدگی پیدا کرد . عبدالله از مردم جوز است<sup>۴</sup> که یکی از شهرستانهای فارس بوده و ابتدا برای داود بن عمر بن هبیره کتابت میکرد . و بعد عیسی بن علی کتابت کارهای کرمان را در عهده او گذاشت . بی اندازه فصیح و بلیغ و از نویسندگان و شاعران فصیح بشمار میرفت ، و هم او بود که آن شرائط سخت را در قضیه عبدالله بن علی و منصور<sup>۵</sup> نوشته و همه گونه پیش بینیها را در آن بکار برد که منصور کینه اش را بدل گرفت . و

۱- رجوع شود بصفحه ۱۹ همین کتاب . ۲- رجوع شود بصفحه ۸ همین کتاب .

۳- رجل مقفع الیدین ، کمعظم ، مرد ترنجیده ، ویرا گرفته دست ، (منتهی الارب) .

۴- ظاهر اجوز فیروز آباد است (لغتنامه دهخدا ص ۳۵۲ . حاشیه ۳) .

۵- عبدالله بن علی پسر عموی منصور خلیفه عباسی بوده و براو خروج کرد، منصور ابو مسلم خراسانی را بجنگ او فرستاده و عبدالله که شکست خورد ، پنهان گردید. سلیمان و عیسی برادران عبدالله بشفاعت برخواسته و منصور شفاعت آنانرا پذیرفته و حاضر برای دادن نوشته امان باو گردید . تنظیم این نوشته در عهده ابن مقفع گذاشته شد زیرا ابن مقفع چنانچه در متن هم اشاره شده منشی عیسی بن علی بود . و در تنظیم امان نامه راه افراط را پیمود . و در بعضی فصول آن نوشت : اگر امیر المؤمنین بعم خود عبدالله غدر کند زنانش بی طلاق بیزار ، و ستورانس وقف ، و بندگان آزاد ، و مسلمانان از بیعت او ، یلهورها باشند ، این نامه را که برای توشیح نزد منصور بردند سخت بروی گران آمد و گفت چه کسی آنرا نوشته ، گفتند مردی بنام ابن مقفع کاتب عم تو عیسی ، منصور بسقیان والی بصره دستور کشتن او را داده و او هم ویرا تکه تکه کرده در آتش تنور انداخت (ر.ک. لغتنامه دهخدا ذیل ابن المقفع).



زمانیکه سفیان بن معاویه او را سوزاند ، روی موافقت نشان داده ، و خون بهائی نخواست و خودش بهدر رفت .

وی یکی از ناقلان فارسی بعربی بوده و در این دو زبان مهارت و فصاحت داشته ، و چندین کتاب از فارسی بعربی ترجمه کرده که از آن جمله است : کتاب خداینامه فی السیر . کتاب آئین نامه فی الاآئین<sup>۱</sup> . کتاب کلیله و دمنه . کتاب مزدک . کتاب التاج فی سیره انوشیروان . کتاب الاداب الکبیر - معروف بمافراجنس<sup>۲</sup> . کتاب الاداب الصغیر . کتاب الیتیمه - فی الرسائل . ( کتاب رسائله . کتاب جوامع کلیله و دمنه . کتاب رسالته فی الصحابه ) .

### اخبار ابان لاحقی

ابان بن عبدالحمید بن لاحق بن عقیر<sup>۳</sup> رقاشی ، که خود و خانواده اش شاعر بوده ، و او در میان آنان ، در نقل کتابهای مشهور بشعر مزدوج تخصصی داشته ، و از چیزهایی که نقل کرده است : کتاب کلیله و دمنه . کتاب سیره اردشیر . کتاب سیره انوشیروان . کتاب بلوهر و بوداسف<sup>۴</sup> . کتاب رسائله . کتاب حلم الهند .

### قمامه بن یزید<sup>۵</sup>

کاتب عبدالملک بن صالح . با بلاغت و فصاحت بود . و چون از عبدالملک نزد رشید سخن چینی کرد ، او هم با شکنجه و پراکشت ، و با تبر سرش را از بدن جدا کرد . از کتابهای اوست : کتاب رسائله .

### هریر بن صریح

کاتب قمامه ، و مکنی بابوهاشم ، از مردم حاضر طی<sup>۶</sup> و از فصحاء و مترسلان بود ، و کتاب رسائله - او را من دیده ام که یکصد ورق بود .

### اخبار علی بن عبیده ریحانی

یکی از بلیغان و فصیحانی است که بمأمون اختصاص داشت . و در تألیفات و تصنیفات خود

۱ - ف ( فی الاصر ) .

۲ - ف ( بمافراحسیس ) .

۳ - ف ( عقیر ) .

۴ - ف ( بردانیه ) .

۵ - ف ( یزید ) .

۶ - حاضر از احياء بزرگ عرب است که بآن حاضر طی

گویند ( معجم البلدان ) .

طریقه حکماء را پیروی میکرد. و متهم بزندقه شد، و از نویسندگان ماهری بود که با مأمون سرگذشتهائی داشت از جمله وقتی در حضور مأمون بود که پسر بچه طپانچه بصورت پسر بچه دیگر زده و مأمون آنرا میدید. و خواست بداند که علی نیز بآن تسوجهی داشته، از وی پرسید آیا دیدی. علی با دست اشاره کرد در حالیکه انگشتهارا از هم بعلامت پنج دور داشته بود، یعنی پنج که بعربی خمسه و تصحیف آن خمسه بمعنی طپانچه زدن است. و از این قبیل چیزهائی داشت که هوش و ذکاوت او را میرساند. وفاتش در ... و این کتابها از اوست:

کتاب المصون. کتاب البرزخ. کتاب رائدالودا<sup>۱</sup>. کتاب المخاطب. کتاب الطارف<sup>۲</sup>. کتاب الهاشمی. کتاب المعانی. کتاب الخصال. کتاب الناشی. کتاب الموشح. کتاب شمل والفة. کتاب الجد<sup>۳</sup>. کتاب المتجلی. کتاب الصبر. کتاب سناء و بهاء<sup>۴</sup>. کتاب الزمام. کتاب مهر آزاد و جشنش<sup>۵</sup>. کتاب کیلهر اسف الملک. کتاب صفة الدنيا<sup>۶</sup>. کتاب الاخوان. کتاب روساندک<sup>۷</sup>. کتاب صفة الجنة. کتاب الانواع. کتاب الوشیح. کتاب العقل والجمال<sup>۸</sup>. کتاب ادب جوانشیر. کتاب شرح الهوی و وصف الاخاء. کتاب الطاوس. کتاب المشجی<sup>۹</sup>. کتاب اخلاق هارون. کتاب الاصناف. کتاب الخطب. کتاب الناحم. کتاب صفة الفرس. کتاب التنبیه. کتاب المشاکل. کتاب فضائل اسحاق. کتاب صفة الموت. کتاب السمع والبصر. کتاب الیأس و الرجاء. کتاب صفة النحل و البعوض. کتاب صفة العلماء. کتاب ابن الملک. کتاب المؤمل و المهیب. کتاب ورود و ویدد المکلبین<sup>۱۰</sup>. کتاب المعاقبات. کتاب مدح النبیذ<sup>۱۱</sup>. کتاب الجمل. کتاب الجمل. کتاب خطب المنابر. کتاب النکاح. کتاب الانواع. کتاب الاوصاف. کتاب امتحان الدهر. کتاب الاجواد. کتاب المجالسات (کتاب النبیه).

### اخبار سهل بن هارون

سهل بن هارون بن راهیونی<sup>۱۲</sup> از مردم دستمیشان<sup>۱۳</sup>. بصره نقل مکان کرد، و از خادمان خاص مأمون گردید و تصدی خزانه الحکمه را داشت. حکیم و فصیح و شاعر ایرانی نژادی بود که از شعوبیان و متعصبان در ضدیت با عرب بشمار میرفت، و در این باره کتابها

- |  |                       |
|--|-----------------------|
| ۱- ف (الرد).   | ۲- ف (الطارق).        |
| ۳- ف (الحد).   | ۴- ف (سباء و بهاء).   |
| ۵- ف (نهرارد حسیس).  | ۶- ف (الرها).         |
| ۷- در متن نقطه ندارد.  | ۸- ف (العقل والحبال). |
| ۹- ف (الشبحی).   | ۱۰- ف (الماکنین).     |
| ۱۱- ف (الندیم).  | ۱۲- ف (راهنوی).       |
| ۱۳- دستمیشان شهرستان بزرگیست میان واسط و بصره و اهواز و باهواز نزدیکتر است (معجم البلدان). |                       |

و رساله‌های زیادی دارد. و (بی‌اندازه) بخیل و خسیس بود. و در همین زمینه رساله برای حسن بن سهل نوشته و در آن بخل را ستوده و او را باین امر ترغیب، و درخواست چیزی نیز از او نموده بود، حسن در پشت آن رساله نوشت: رساله‌ات رسید و بر نصیحت‌های آگاه شدیم. و پاداش آنرا پذیرفتن نصیحت و تصدیق گفتار تو قرار دادیم والسلام. و چیزی هم برایش نفرستاد.

ابو عثمان جاحظ برای وی برتری قائل بوده، و براعت و فصاحت او را ستوده، و در کتابهای خود از او نقل کرده است. تألیفات سهل بن هارون: کتاب دیوان الرسائل. کتاب ثعله و غفره<sup>۱</sup> بپیکره کلیله و دمنه. کتاب الهدلیه و المخزومی. (کتاب شجرة العقل). کتاب النمر و الثعلب. کتاب الوامق و العذراء. کتاب ندود، و ودود، ولدود<sup>۲</sup>. کتاب الضرتین<sup>۳</sup>. کتاب اسباستوس<sup>۴</sup> فی اتخاذ الاخوان. کتاب الغزالین. کتاب ادب اشک بن اشک<sup>۵</sup>. کتاب الی عیسی بن ابان فی القضاء. کتاب تدبیر الملك و السیاسة.

### سعد بن هریم<sup>۶</sup> کاتب

همکار سهل بن هارون در بیت الحکمه، و بلیغ و فصیح و نویسنده بود که جاحظ از وی نقل کرده، و از کتابهای اوست: کتاب الحکمة و منافعها. و مجموعه رسائلی نیز دارد.

### سلم

با سهل بن هارون در بیت الحکمة همکار بود. و ترجمه‌هایی از فارسی به عربی دارد.

### علی بن داود

کاتب زبیده مادر<sup>۷</sup> جعفر یکی از بلیغانی بود که در تألیفات خود رویه سهل بن هارون را داشت. و این کتابها از اوست: کتاب الجرهمیة و توکیل النعم<sup>۸</sup>. کتاب الحرة و الامة. کتاب الظراف.

### محمد بن لیث خطیب

مکنی با بو ربیع، که برای یحیی بن خالد کتابت میکرد، و از هواداران بنی امیه

- 
- |                      |                          |
|----------------------|--------------------------|
| ۱- ف (عفراء).        | ۲- جب (ندود و ودود و د). |
| ۳- ف (الضربین).      | ۴- ف (اسباسیوس).         |
| ۵- ف (اسیل بن اسیل). | ۶- ف (هارون).            |
| ۷- ف (دختر).         | ۸- جب (وهو کتاب النعم).  |



و معروف بفقیه و مردی بلیغ، مترسل، کاتب، و متکلمی ماهر، و با گذشت بود، گویند با اندازه جوانمردی داشت که هیچ چیزی در نزد او ارزش نداشت. برمکیان ویرا گرامی داشته و نیکو مینواختند. و از زنادقه‌شمرده میشد. از کتابهای اوست: کتاب الهلیاجه فی الاعتبار. کتاب الرد علی الزنادقة. کتاب جواب قسطنطین عن الرشید. کتاب الخط والقلم. کتاب غظة هارون- الرشید. کتاب (الی) یحیی بن خالد فی الادب.

درباره وی جزاین، چیزهای دیگر گفته شده، و ابن حفص نوشته است: محمد بن لیث از بنی حصن و از سخن پردازان و بردگان بنی امیه بود، و تمایلی بضدیت با ایرانیان داشت. و بدین جهت مورد بغض برمکیان گردید. و در رساله‌هایش زبان پند و موعظه را بکار میبرد. و بخط ابن ثوابه خواندم، که محمد بن لیث خطیب دارای چندین رساله است. و او پسر آذرباذ بن فیروز بن شاهین بن اذر، هرمز بن هرمز (بن) سروشان بن بهمن افرندار است که نسبش بدارای شاه میرسید، و مجموعه رسائلی نیز دارد.

### عتابی

ابو عمرو کلثوم بن عمرو بن ایوب ثعلبی عتابی، از مردم شام، مقیم قنسرین<sup>۱</sup>، شاعر و نویسنده و نامه‌نگار خوبی بود. با برمکیان مصاحبت داشته، و از خاصان آنها بشمار میرفت. بعد بمصاحبت طاهر بن حسین، و علی بن هشام درآمد. گویند بعد از کشته شدن جعفر بن یحیی، و از میان رفتن نعمت برمکیان، رشید او را پذیرفته و گفت: عتابی، پشت سر من چه تازه‌هایی است، وی مرتجلا این اشعار نغز را در این معنا سرود.

|  |  |
|--|--|
| اسْرُكٌ <sup>۲</sup> اَنْتِ نَلْتِ مَا نَالَ جَعْفَرٌ <sup>۳</sup> | مَنْ الْمَلِكِ اَوْ مَا نَالَ يَحْيَىٰ بِنِ خَالِدٍ <sup>۴</sup> |
| وَ اَنْ اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اَغْصَنِي                           | مَنْصِيهَمَا بِالْمَشْرِفَاتِ الْبَوَادِرِ <sup>۵</sup>          |
| دَعِينِي تَجْنِي مَيْتِي <sup>۶</sup> مُطْمَئِنَّةٌ                | وَ لَمْ اَتَكَلَّفْ هَوْلَ تِلْكَ الْمَوَارِدِ <sup>۷</sup>      |
| فَاَنْ مَشُوبَاتِ الْاُمُورِ مَنُوطَةٌ <sup>۸</sup>                | بِمُسْتَوْدَعَاتِ فِي بَطُونِ الْاَسَاوِدِ <sup>۹</sup>          |

- ۱- قنسرین قصبه‌ایست در ۲۵ کیلومتری جنوب حلب که در سال هفدهم هجری فتح گردید (قاموس الاعلام ترکی).
- ۲- ف (امنزل).
- ۳- ایا شادمان شوی که من دارائی جعفر یحیی بن خالد را پیدا کنم.
- ۴- و اینکه امیرالمؤمنین مرا با شمشیر آبدار خود بهمان روزگار تیره و تار آنان بیندازد.
- ۵- ف (میتتی).
- ۶- بگذار بآرامی مرگ مرا برپاید و من بزحمت آن پیش آمدهای جان‌گداز نیفتم.
- ۷- ف (فان علیات الامور مشوبة).
- ۸- زیرا کارهای درهم و برهم بستگی بچیزهایی دارد که در دل شیرمردان نهفته است.

وی بهتر از هر کسی در نامه‌ها و شعرهایش پخته‌گی داشت و رویه نابغه را پیروی میکرد. وفاتش ... و این کتابها از اوست: کتاب المنطق . کتاب الاداب . کتاب فنون الحکم . کتاب الخیل ، نازک است . کتاب الالفاظ . این کتاب را ابو عمر زاهد از مبرد روایت کرده ، و شگفت آور است . کتاب الاجواد .

### عتبی

ابو عبد الرحمن محمد بن عبد الله بن عمرو بن معاویه بن عمرو بن عتبة بن ابوسفیان بصری . ابو عینا گوید : عمرو بن عتبه را در نسب او گنجانیده‌اند . عتبی از هر کسی فصیح‌تر بود ، خود و پدرش ، دوبرگوار ، و دو ادیب فصیحی بودند . و عتبی طبع شعر هم داشت که پدرش آن را نداشت . گویند : وقتی بخانه اسماعیل بن جعفر آمده ، و اجازه دخول خواست غلامانش گفتند بحمام رفته است او گفت .

و أمير إذا أراد طعاماً  
قال غلمانہ اتی الحماماً ۲  
فیکون الجواب منی الی الحاجب  
ما ان اردت الاسلاماً ۳  
لست اتیکم من الدهر الا  
کل يوم یکون ۴ فیہ صیاماً ۵

عتبی در سال دویست و بیست و هشت وفات یافت و این کتابها از اوست : کتاب الخیل . کتاب (اشعار) الاعاریب و اشعار النساء اللاتی احببن ثم ابضغن (کتاب الذبیح) . کتاب الاخلاق .

### نام کاتبان مترسلی که نامه‌هایشان را

#### روایت کرده‌اند

قاسم بن صبیح (کم) . یحیی بن خالد (کم) . فضل پسر یحیی (کم) . جعفر پسر یحیی (کم) . قاسم ۲ بن ابوصالح (کم) . یوسف بن قاسم (کم) . یعقوب بن نوح (کم) . یوسف لقوه (کم) . فضل بن سهل - زیاد . حسن بن سهل (کم) . محمد بن بکر (کم) . احمد بن منجم - زیاد . احمد بن یوسف کاتب مأمون (که بوزارت هم رسید) زیاد .

۱- ف (مضی) . ۲- وامیری که چون طعام بخواهم حاجبش گویدم که رفت بحمام .

۳- در جوابش من این چنین گویم کامدم من برای عرض سلام .

۴- ف (ترونی) . ۵- بچنین در گهی نیارم روی . خبر همان روزهای ماه

صیام

۶- جب (دونت) . ۷- جب (الفیض) .



### ابو اسحاق ابراهیم بن عباس

بن محمد بن صول کاتب ، یکی از بلیغان و شاعران فصیحی است که در دوران دستة از خلفاء تصدی دیوان رسائل را داشته و از ظرفاء و بزرگان بود ، ابو تمام گوید : اگر هر آینه همت ابراهیم در خدمت بسلاطین ویرا بآن پایه بالا نمیبرد ، برای شاعران نانی بجا نمیماند یعنی شعرش بآن پایه خوب بود . این کتابها از اوست : کتاب رسائل ، کتاب الدوله ، بزرگ است ، کتاب الطبیخ ، کتاب العطر ..

### حسن بن وهب

ابن سعید بن عمرو بن حصین بن قیس بن قنان بن متی . و قنان کاتب یزید بن ابوسفیان در زمان حکمرانی در شام بود ، و بعد برای معاویه کتابت میکرد ، و معاویه او را به یزید داده ، و در خلافت یزید وفات یافت ، یزید فرزند او را بنام قیس بکتابت گمارد ، و قیس برای مروان و عبدالملک ، و پس از آنان ، برای هشام کتابت کرده ، و در زمان هشام وفات یافت . وهشام فرزند او حصین را بکتابت برگزید سپس کاتب مروان شد ، ( و با او بمصر رفت ، مروان که کشته شد ) نزد ابن هبیره رفته ، و ابن هبیره از ابوجعفر برای او زینهار نامه گرفته و او هم در خدمت منصور و مهدی بود ، تا آنکه در راه ری وفات یافت ، و مهدی پسر او عمر را بکتابت برگزید ، و مدتی هم کاتب خالد بن برمک بود ، تا وفات یافت ، و سعید جای او را گرفته ، و همیشه در خدمت خاندان برمک بود ؛ فرزندش وهب بهر طرفی روی آورد ، مدتی نزد جعفر بن یحیی کتابت کرد ، بعد در دستگاه ذوالریاستین درآمده و ذوالریاستین درباره او میگفت : من عجب دارم از کسیکه وهب با او باشد ، و او اهتمامی بخود نداشته باشد . پس از ذوالریاستین ، حسن بن سهل او را کاتب خود نمود و کار کرمان و فارس را با او گذار کرد تا بآن سرو صورتی دهد ، و هنگامیکه او را از قم الصلح برسالت نزد مأمون فرستاد در راه بغداد - قم الصلح غرق شد . سلیمان در سن چهارده سالگی بکتابت مأمون برگزیده شد ، و بعد برای ایتاخ ، و اشناس کتابت کرده ، و در دوران معتمد بمقام وزارت رسید . و نامه هایش بصورت کتابی جمع آوری شد . اما حسن بن وهب برادر سلیمان ، کاتب محمد بن عبدالملک زیات بود . و ریاست دیوان رسائل را داشت ، و شاعری بلیغ ، و نامه نگاری فصیح ، و یکی از نویسندگان ظریف و بذله گوئی بوده و نامه هایش بصورت کتابی جمع آوری شده است .



### ابن عبدالملک زیات

نامش محمد بن عبدالملک بن ابان (زیات) ، و ابان از مردم دهکده دسکره<sup>۱</sup> در جبل<sup>۲</sup> بود که در آنجا روغن جمع کرده و پیفداد میآورد . و محمد از شاعران بلیغی است که در زمان سه خلیفه، معتصم ، واثق ، و متوکل مقام وزارت را پیدا کرد ، و متوکل پس از چهل روز از خلافتش او را دستگیر و بقتل رسانید ، و ما بشرح حال او در جای دیگر خواهیم پرداخت . وفاتش در سال دویست و سی و سه ؛ و از کتابهای اوست: کتاب رسائل .

### قاسم بن یوسف

برادر احمد بن یوسف ، شاعر ، و مترسل ، و دارای کتاب رسائل است .

### عمر و بن مسعده

بن سعید<sup>۳</sup> (بن...) از وزراء مأمون ، و مرد بلیغ و شاعر و مترسلی بود . و کتاب رسائل بزرگی دارد .

### سعید بن وهب کاتب

این شخص از خاندان وهب بن سعید نیست و از نژاد ایرانیان است . و این کتابها از اوست: کتاب رسائل . کتاب دیوان شعره .

### حرانی

ابوالطیب عبدالرحیم بن احمد حرانی ، از شاعران و مترسلان بلیغ ، و کتاب رسائل . و کتاب فی البلاغه از اوست .

### ابوعلی بصیر

شاعر و بلیغ و مترسل بود ، و میان او و ابوالعیناء مهاجرات و مکاتبات نیکوئی مبادله شده و در این باره اشعاری نیز دارد . و کتاب رسائل . کتاب دیوان شعره از اوست .

۱- دسکره نام چند جبل است و در اینجا مراد دهکده ایست که در مقابل جبل است (معجم البلدان) .

۲- جبل بفتح جیم و تشدید باء و ضم ل دهکده بزرگی است میان نهمانیه و واسط که سابقاً شیری بوده و قاضی آن ضرب المثل شده است (رک، معجم البلدان) .

۳- ف (عمر و بن سعید بن مسعده) .

### یوسفی

ابوالطیب محمد بن عبدالله، از فرزندان احمد بن یوسف کاتب است، که کتابت مأمون را داشت، و رساله‌هایش شهرتی پیدا کرد، و در شمار مترسلان بلیغی بود. این کتابها از اوست :  
 کتاب الفصول فی الرسائل المختاره : کتاب رسائله خاصه

### بنو مدثر

احمد، و محمد، و ابراهیم، که همه شاعر و مترسل و بلیغ بودند. احمد کتابی  
بنام کتاب المجالسه والمذاکره دارد.

### هارون بن محمد

ابن عبدالملک زیات، مکنی بابو موسی، در جمع‌آوری اخبار اهتمامی داشته و یکی از راویان بود. و این کتابها از اوست : کتاب اخبار ذی‌الرمه : کتاب رسائله.

### سعید بن حمید

مکنی بابو عثمان، کاتبی بود شاعر و نامه‌نگاری شیرین‌گفتار، در هنر خود برجستگی داشت. در ربودن از دیگران مهارت بخرج میداد، و بسیار بعاریت میگرفت. و اگر بسخنان سعید و اشعارش میگفتند بخانه خود برگرد، چیزی برای او باقی نمیماند. و این سخن از احمد بن ابوطاهر درباره گفته‌های اوست. وی مدعی بود که از شاهزادگان ایرانست. این کتابها از اوست : کتاب انتصاف العجم من العرب که معروفست بتسویه. کتاب دیوان رسائله. کتاب دیوان شعره والصراعه<sup>۲</sup>. و هر یک از احمد و ابراهیم نیز کتاب رسائلی داشتند.

### ابراهیم بن اسماعیل

ابن داود کاتب. که در براءت و بلاغت بر هر کسی برتری داشته و دارای : کتاب رسائل است.

### سعید بن حمید بختکان

مکنی بابو عثمان، بسیار با هوش و متکلمی فصیح، و از تبار کهن ایران بود، و عصبيت

۱- ف (کثیر الاغاره) جب (کثیر الاغاره). ۲- ف (والمصارعة).

شدیدی علیه عربها داشت . و این کتابها از اوست : کتاب فضل العجم علی العرب و افتخارها . کتاب رسائله . و در کلام نیز کتابهایی دارد که در جای خود ذکر خواهیم کرد .

### حمید بن مهران کاتب

اصفهان‌نی است و برای برمکیان ، در مدت زندگانشان کتابت میکرد . و دارای کتاب رسائل است .

### ابن یزداد

ابو عبدالله محمد بن یزداد بن سوید ، وزیر مأمون ، بلیغ ، مترسل ، و شاعر بود ، از کتابهای اوست : کتاب رسائل . کتاب دیوان شعره .

### محمد بن مکرم

کاتبی بلیغ و مترسل ، و دارای کتاب رسائل است .

### ابوصالح

عبدالله بن محمد بن یزداد بن سوید ، یکی از کاتبان بلیغ است ( و فرزندش ابو احمد عبدالله بن محمد بن یزداد کتاب البارع تألیف پدرش را تا سال سیصد با تمام رسانید ) و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ . کتاب رسائله .

### میمون بن ابراهیم کاتب

در دوران متوکل تصدی نامه‌های ویژه او را داشت ، و از نامه‌نگاران فصیح و بلیغی بوده و دارای کتاب رسائل است .

### موسی بن عبدالملک

در دوران متوکل دیوان سواد<sup>۱</sup> و جز آن با او بود ، و از نامه‌نگارانی است که چیز کمی از نامه‌های او را دیده‌ام .

۱- سواد بد و محل اطلاق میشود یکی ناحیه‌ایست نزدیک بلغاء که برای سیاهی سنگهایش آن را سواد گویند و یکی رستاق و کشتزارهای عراق برای سیاهی کشتزارها و نخلستانها و باغاتش (معجم البلدان) .



### ابن سعید قطربلی

ابوالحسن احمد بن عبدالله بن حسین بن سعید بن مسعود قطربلی ، از علما و فضلا ، نویسندگان ، و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ - که آنرا تا زمان خود تألیف کرده است . کتاب فقر البلاء . کتاب المنطق .

### نطاحه

ابوعلی احمد بن اسماعیل بن خصیب انباری ، کاتب عبیدالله بن عبدالله ابن طاهر ، و قبل از او برای محمد بن طاهر کتابت میکرد . بلیغ ، و مترسل ، و شاعر ، و ادیب برجسته در هنر بلاغت بود و بیشتر نامه‌ها را از طرف خود بدوستانش مینوشت ، و میان او و ابوالعباس بن معتر نامه‌ها و جوابهایی مبادله شده است . دیوان رسائلی در حدود هزار ورق دارد که مشتمل بر مراسلات گوناگون بسیار خوبی است . و کتاب الطبیخ . کتاب طبقات الکتاب ، از اوست ، و نیز کتابی دارد که آن را - المجموع المنقول من الرقاع - نامیده<sup>۲</sup> و مشتمل بر مسموعاتش از علماء و مشاهداتی است که از اخبار بزرگان داشته است . کتاب صفة الناس . کتاب رسائله الی اخوانه .

### ابن فضیل کاتب

ابوالحسن علی بن حسین بن فضیل بن مروان ، نژادش فارسی ، و از کتابهای اوست : کتاب الاصنام و ما کانت العرب والعجم تعبد من دون الله تبارک اسمہ .

### ابوالعیناء

محمد بن قاسم بن خلاد . فصیح و بلیغ ، و حاضر جواب ، و در پاسخ دادن سرعتی داشته ، و شاعر بود . در آخر عمر نابینا گردید . میان او و ابوعلی بصیر ، و همچنین ابو-هفان ، نامه‌ها و هجوهای مبادله شده ، و مردم عسکر از زبانش بیمناک بودند ، وی از اصمعی و سایر علما روایتهایی کرده است . وفاتش در سال دو یست و هشتاد و اندی بوده ، و این کتابها از اوست : کتاب اخبار ابی العیناء که ابن ابوطاهر آنرا تألیف کرده . کتاب شعر ابی العیناء - در حدود سی ورق .

۱- ف (وقته محمد بن طاهر) جب (وقبله محمد بن طاهر) .

۲- ف (اسماء المجموع ...) جب (سماء) .

این نسخه را بخط ابو علی بن مقله یافتیم

و مقتضی میدانم بهمان ترتیب و الفاظش

در اینجا بیاورم

### نام خطباء

امیر المؤمنین علی علیه السلام . طلحة بن عبیدالله . (عبدالله بن زبیر) . عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب . خالد و اسماعیل پسران عبدالله قسری . یزید بن خالد بن عبدالله<sup>۱</sup> . و جریر بن یزید بن خالد . خالد بن صفوان . عبدالله بن اهتم . ابن قسریه<sup>۲</sup> . صعصعة بن صوحان . محمد بن قیس خطیب - زیاد بن ابوسفیان . قطری بن فجاء . ولید بن یزید . ابو جعفر منصور . مأمون . شیب بن شیب . عباس بن حسن علوی و عبدالله پسر او<sup>۳</sup> محمد بن خالد بن عبدالله قسری . شبة بن عقال .

### نام بلیغان

ابومروان غیلان ، سالم کاتب<sup>۴</sup> هشام بن عبدالملک (که از خویشان زن عبدالحمید بود) عبدالحمید بن یحیی کاتب مروان . خالد بن ربیعہ سوقی<sup>۵</sup> . عبدالوهاب بن علی - که در دوران بلال بن ابوبرده بود . عماره بن حمزه . یحیی و محمد پسران زیاد حارثی از فرزندان حارث بن کعب . حجر بن سلیمان حرانی . محمد بن حجر کاتب عباس بن محمد . جبل بن یزید ، کاتب عماره بن حمزه . مسعدہ ابوعمر و ، عبدالجبار بن عدی ، و مسعدہ بن خالد ، کاتبان منصور . یونس بن ابوذروه ، که برای عیسی بن موسی کتابت داشت . رقاشی . سهل بن هارون متصدی بیت الحکمه مأمون . سعید بن هریم<sup>۶</sup> ، همپا ز سهل بن هارون در بیت الحکمه . عبدالله بن خاقان . جعفر بن محمد بن اشعث . عبیدالله بن عمران ، که برای گروهی کتابت کرده و آخرین نفر آنها فضل بن یحیی بود . ابن ادهم ، کاتب ابومحزم<sup>۸</sup> . ابو ربیع محمد بن لیث . غسان بن عبدالحمید مدینی ، که برای جعفر بن سلیمان در مدینه کتابت میکرد . خطاب برده

۱- ف (یزید بن عبدالله بن خالد) . ۲- ف (القریه) .

۳- ف (عبدالله پسر او - را پس از محمد بن خالد بن عبدالله قسری آورده) .

۴- ف (مولی) . ۵- ف (الشرقی) . ۶- ف (هارون) .

۷- ف (هبة الله) . ۸- ف (احدم) . ۹- جب (ابومحرم) .

سلیمان بن ابوجعفر . (ودوستاندار او)، ابن اعین کاتب<sup>۱</sup> . ابو ... شامی<sup>۲</sup> کاتب ولید بن معاویه . خطاب بن ابوخطاب ، که از خود داعیه داشته و درباره خود مینوشت ، عبید بن حریش<sup>۳</sup> کاتب . کلثوم بن عمرو عتابی ، از ادبائی که درباره خود مینوشت . ابومسلم شامی . قمامه کاتب عبدالملک بن صالح . اسحاق بن خطاب کاتب قمامه بن زید . هریر بن صریخ کاتب عبدالملک بن صالح . ابوروح کاتب علی بن عیسی ، جانشین یوسف بن سلیمان . ابن عبادیه . محمد بن حرب ، کاتب مخلوع<sup>۴</sup> . احمد بن یوسف . مسلم کاتب خزیمه بن خازم . اسماعیل بن صبیح . ابوعبدالله کاتب مهدی . محمد بن سعید ، در دوران مأمون . بکر بن فیض بن عبدالحمید تمیمی در دوران بلال بن ابوبرده . قاسم بن محمد - که او نیز در دوران بلال بود . بشر بن ابوبشاره<sup>۵</sup> . ابونجم حبیب بن نجم ، در دوران مهدی . مطرف بن ابومطرف لیثی . ابراهیم بن اسماعیل ، استاد محمد بن مکرم . یوسف بن سلیمان ، کاتب (علی) . ابوحوط<sup>۶</sup> کاتب هریر بن صریخ . حمزه بن عقیف بن حسن ، کاتب طاهر بن حسین . مسلم بن صدقه شامی . ابوهاشم حرانی .

### بلیغ تر از همه مردم ده نفرند

عبدالله بن مقفع . عماره بن حمزه ( جبل بن یزید) . حجر بن محمد . محمد بن حجر . انس بن ابوشیخ ، که احمد بن یوسف کاتب بر او تکیه داشت . سالم . مسعده . هریر . عبدالجبار بن عدی . احمد بن یوسف<sup>۷</sup> .

### بلیغانی که بعد پیدا شدند

ابراهیم بن عباس (صولی) ، حسن بن وهب . سعید بن عبدالملک .

### بهترین کتابها در نظر همه

عهد اردشیر . کلیله و دمنه . رساله عماره بن حمزه . یثیمه ابن مقفع . رساله الخمیس<sup>۸</sup> . احمد بن یوسف کاتب .

۱- ف (این نام را متصل بنام پیش آورده) . ۲- ف (ابوالسامی) .

۳- ف (عبدالله بن خراش) .

۴- ظاهرأ مراد مقتدر بالله هجدهمین خلیفه عباسی است (ر.ک. قاموس الاعلام ترکی) .

۵- ف (ابی ساره) . ۶- ف (کاتب ابی حوطه کاتب هریر بن صریخ) .

۷- با اضافه - جبل بن یزید - یازده نفرند . ۸- ف (رساله الحسن) .



### موضوعاتی که در آنها تالیفاتی شده

در موضوعات عمومی<sup>۱</sup> . در فتحها . در هزیمتها . در سلامت . در طاعت . در شریعت . در شکر گذاری . در حکمرانی . در پیمان و عهد . در مشورت . در عصبیت . در باران . در زلزله و تکان زمین . در بیعت . در صلح . در ناسزا گوئی . در حاجات . در رضا . در مودت . در گله گذاری . در پوزش و عذرخواهی . در وثیقه . در تهنیت . در هدیه . در قضاوت . در تعزیت . در جهاد . در مواسم<sup>۲</sup> . در عیادت از بیماران . . . در آرزوها . جواب فتوحات . نامه‌هایی که از طرف پادشاهان بپادشاهان جهان نوشته شده . در ناکسان و نامردان . در آتش‌سوزی (در جنگ) در استسقاء . در پاداش و صلح . در زینهار . در شوق و اشتیاق - و آن چیزهایی که مربوط بانجام کار است چون دیدن ماه ، اعیاد ، عزلت ، طلب حاجت ، دوری از مردم ، و دادخواهی .  
این بود آنچه را که ابن‌مقله نوشته است .

### غسان<sup>۳</sup> بن عبدالحمید

برای جعفر بن سلیمان<sup>۴</sup> بن علی کتابت میکرد . بلیغ و گفتاری شیرین و معانی نمکین داشت و کتابهایش تدوین گردید و از کتابهای او کتاب رسائل است .

### محمد بن عبداللہ بن حرب

کاتب حسن بن قحطبه در ارمنستان ، و بعد از قحطبه برای یزید بن اسید و سپس برای فضل بن یحیی کتابت میکرد . و کتاب رسائلی دارد .

### بکر بن صرد<sup>۵</sup>

کاتب یزید بن مزید ، و با بلاغت بوده ، و کتابهای مشهوری دارد ، هموست که از طرف یزید بن مزید هنگام وفات برمک<sup>۶</sup> برشید نامه نوشت . کتاب رسائل . و کتاب الرسالة المزیدیه الی الرشید - از اوست :

۱- در متن فی‌العامة است و عامه معانی مختلفی دارد که بنظر ما در اینجا همانست که آورده‌ایم .  
۲- موسم گرد آمدن در یکجا و بیشتر در وقت اجتماع حایان در مکه استعمال میشود جمع آن مواسم است (اقرب‌الموارد) .  
۳- جب (عیسان) . ۴- ف (سلیم) . ۵- ف (صود) . ۶- جب (یزید) .

### ابوالوزیر

عمر بن مطرف کاتب ، از عبدالقیس و از مردم مرو<sup>۱</sup> و متصدی دیوان المشرق<sup>۲</sup> در دوران مهدی و هادی ورشید بود، و برای منصور و مهدی کتابت میکرد . وفات او را در دوران مهدی دانسته اند و صحیح آن است که در دوران رشید در گذشت و او هم بسیار اندوهگین گردید . وی مردی موثق ، و در هنر خود مقدم ، و بلیغ و راویه بود . و این (کتابها) از اوست : کتاب منازل العرب و حدودها و این کانت محلة کل قوم والی این انتقل منها . کتاب رسائل ابی<sup>۳</sup> الوزیر . کتاب مفاخرة العرب و منافرة القبائل فی النسب . رشید که بروی نماز گذارد ، گفت : خدا تورا پیامرزد ، بخدا سوگند که برای تو کارهایی پیش نیامد که یکی برای خدا و یکی هم برای خودت باشد و تو آنرا که برای خدا بود ، بر آن که برای خودت بود ترجیح نداده باشی .

### فضل بن مروان

بن ماسرجس<sup>۴</sup> نصرانی ، و از دهکده بود معروف بنیلی<sup>۵</sup> که در منطقه نهر بوق<sup>۶</sup> است و عمرش بنودوسه سال رسید . بمأمون و معتصم خدمتها کرده ، و در دوران معتصم وزیر شده ، و بعد بخلفا بعد از او هم خدمتها کرده است . در علم کم مایه بود : ولی معرفت خوبی بیگونگی خدمت بخلفاء را داشت . این کتابها از اوست : کتاب المشاهدات والخبار التي شاهدها و رواها (ورواها) . کتاب رسائله .

### جهشیری

ابوعبدالله محمد بن عبدوس ، یکی از نویسندگان اخباریان و نامه نگار بود . و این کتابها از اوست : کتاب الوزراء والکتاب . کتاب میزان الشعر والاشتمال علی انواع العروض

۱- رجوع کنید به صفحه ۱۹۲ همین کتاب . ۲- جب (السرف) .  
 ۳- ف (الی) . ۴- ف (ماسرخس) . ۵- ف (سلی) و برای  
 نبلی رجوع شود به صفحه ۱۰۹ همین کتاب .  
 ۶- نهر بوق در ناحیه بغداد و نزدیک کلواذا بوده و عقیده دارند کلواذا در طرف جنوبی  
 و نهر بوق در طرف شمالی بغداد است . (معجم البلدان) .

## (گروهی)

## شیلمه

محمد بن حسن بن سهل کاتب، و شیلمه لقب اوست . در ابتدا با علوی بصری بود، بعد بیغداد آمده و با برخی از خوارج آمیزش داشته و برای آنها کوشش مینمود . معتضد او را بر عمود خیمه‌اش کردناج<sup>۱</sup> کرد . این کتابها از اوست : کتاب اخبار صاحب الزنج و وقایع .  
کتاب رسائله .

## ابن ابوصبغ

ابوالعباس احمد بن محمد بن ابو صبغ . و از کتابهای اوست : کتاب القلم<sup>۲</sup> و شرف الکتابه . در حدود پنجاه ورق . و نامه‌های کمی هم دارد .

## ابن ابوالسرج

ابوالعباس احمد بن ابوالسرج<sup>۳</sup> . و از کتابهای اوست : کتاب القلم<sup>۵</sup> و ماجاء فيه . و رساله‌هایی هم دارد .

## اسحاق بن سلمه

کاتبی است فارسی . و از کتابهای اوست : کتاب فضل العجم علی العرب . و رساله‌هایی هم دارد .

## موسی بن عیسی کسروی

و این کتابها از اوست : کتاب حب الاوطان . کتاب مناقضات من زعم انه لا ینبغی ان یقتدی القضاء فی مطاعهم بالائمة و الخلفاء .

۱- ف (وکان مصلوبا علی عمود خیمته) جب (فحرقه المعتضد کردناجا علی عمود خیمته) .  
و کردناج، فارسی بمعنای قسمی از کباب است که گردان و گردانیده نیز گویند (فرهنگ نفیسی) .  
۲- ف (العلم) .  
۳-۴- ف (ابن ابوالسرج) .  
۵- ف (العلم) .



### یزدجرد بن مهینداز کسروی

در دوران معتضد بود ، و این کتابها از اوست : کتاب فضائل بغداد و صفتها . کتاب الدلائل علی التوحید من کلام الفلاسفه ( و غیرهم . کتاب بزرگیست که آنرا بخطش دیده‌ام ) .

### گروه دیگر

#### داود بن جراح

پدر بزرگ ابوالحسن علی بن عیسی ، برای مستعین کتابت میکرد . و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ و اخبار الکتاب . کتاب الرسائل .

#### محمد بن داود جراح

مکنی با بو عبدالله ، در زمانش از وی فاضلتر دیده نشد . عبدالله بن معتز در اولین روز خلافتش او را بوزارت برگزید . دانشمندی بود که مردمانی را دیده داشت . و از علماء و فصحاء و شعرا آموخته ، و بخط خود نوشته‌هایی دارد که از شماره بیرون است ، و خود او آنها را میخواند و اصلاح میکرد . پس از فتنه ابن معنز<sup>۲</sup> برسوسن<sup>۳</sup> خادم درآمد ، و او هم در کارش اقداماتی داشت ، و چون ابوالحسن بن فرات از وی بیمناک بود ، اشاره بقتلش نموده ، و او را کشتند و بیرون آورده و کنار سقاخانه نزدیک باب مأمونیه<sup>۴</sup> انداختند که از آنجا ویرا بخانه‌اش بردند و این کتابها از اوست : کتاب الورقه فی اخبار الشعراء - که برای ابن منجم نوشت . کتاب الشعر والشعراء - نازک است . کتاب من سمی من الشعراء عمر<sup>۵</sup> فی الجاهلیه والاسلام . کتاب الاربعه بپیکره کتاب ابوهفان . کتاب الوزراء .

### علی بن عیسی

ابن داود بن جراح . در ریاست باندازه بلندمرتبه بود که بتعریف و توصیف نیاید . و

۱- ف (مهیندان) .

۲- ابن معتز فقط يك روز خلیفه بود . روز بعد طرفداران مقتدر پیروزی یافتند ، و ابن معتز در خانه ابن جصاص گوهری پنهان گردید . و در دوم ربیع الثانی دستگیر و بامر مقتدر کشته شد ( لغتنامه دهخدا - ابن معتز ) . ۳- ف (مونس) . ۴- مأمونیه از محله‌های بغداد است ابتدا کاخ جعفر بر مکی آنجا بود . بعد مأمون آنجا را مقر خود قرار داد و بمأمونیه معروف گردید و تمام آن محله باین نام خوانده شد (دلیل خارطة بغداد ص ۱۲۳) . ۵- ف (عمرو) .

در هنرمندی و عفاف<sup>۱</sup> شهرت و جلوه بسزائی داشت . سه مرتبه وزیر مقتدر گردید (ونسبش ابوالحسن است) وی در همان روزی وفات یافت که در صبح آن معزالدوله ازدجله عبور کرد<sup>۲</sup> و آن روز معمعه<sup>۳</sup> در نیمه ماه ذی‌حجه بود ؛ و در خانه‌اش بخاک سپرده شد . این کتابها از اوست : کتاب جامع الدعاء ، کتاب معانی القرآن و تفسیره . و در این کار ابوالحسین<sup>۴</sup> خزاز ، و ابوبکر بن مجاهد او را کمک کرده‌اند . کتاب الکتاب و سياسة المملکه و سيرة الخلفاء .

### فرزندش ابوالقاسم

عیسی بن علی ، یگانه عصر خود در منطق و علوم باستانی بود . ولادتش در ... و از کتابهای اوست : کتاب فی اللغة الفارسیه .

### ابوالقاسم عبدالله بن علی

ابن محمد بن داود بن جراح ، معروف با بن اسماء خواهر علی بن عیسی . کاتبی فاضل و مترسل بود ، و این کتابها از اوست : کتاب الاستفادة فی التاريخ . کتاب البیان و تقویم اللسان .

### عبدالرحمن بن عیسی

برادر ابوالحسن ، کاتب فاضلی بود ، و با مشورت برادرش که از وی پشتیبانی میکرد ، وزیر مقتدر گردید و نظارت در کارها با (ابوالحسن) علی بن عیسی بود . و این کتابها از اوست : کتاب سيرة آل الجراح<sup>۵</sup> و اخبارهم و انسابهم فی القديم والحديث . کتاب التاريخ از سال دوپست و هفتاد تا زمان او . کتاب الخراج - بزرگ ، و ناتمام .

### ابن عمرم

ابوالقاسم بن عبدالله ، که در بطائح<sup>۶</sup> نزد عمران ، (بطور مشکوک) وفات یافت . و از کتابهای اوست : کتاب الخراج . و نام آنرا ...

۱- ف (والفقه) جب (والعفة) . ۲- در سال ۳۳۴ هجری معزالدوله احمد بن بویه ببنداد آمده خلیفه مستکفی را خلع و چشمانش را میل کشید و مطیع لامرالله را بجای او گذاشت (قاموس الاعلام ترکی) . ۳- ف (جمعه) و معمعه آواز دلبران است (فرهنگ نفیسی) . ۴- (ابوالحسن) . ۵- ف (اهل الخراج) . ۶- بطائح میان واسط و بصره است (معجم البلدان) .

## مطّوق

علی بن فتح ، کنیه اش ابوالحسن<sup>۱</sup> و از کتابهای اوست : کتاب الوزراء - که آنرا در دنبال کتاب محمد بن داؤد بن جراح ، تا دوران ابوالقاسم کلواذانی ، تألیف کرده است .

## ابن حرون

این کتابها از اوست : کتاب فضل نظم القرآن . کتاب الرسائل .

## مرثدی

ابو احمد بن بشر مرثدی بزرگ ، همان کسی است که ابن رومی اشعاری در ماهی<sup>۲</sup> برایش فرستاده و با همدیگر شوخی داشتند . مرثدی کاتب موفق در کارهای ویژه اش بود و این کتابها از اوست : کتاب الانواء - کتابی است بزرگ و در نهایت خوبی . کتاب اشعار قریش . وصولی در نوشتجات خود بآن تکیه داشت و آنرا بنام خود نموده است ، و من (دستور) آنرا بخط مرثدی دیده ام .

## خاندان ثوابه بن یونس

دودمانشان نصرانی ، و گویند یونس معروف به لبابه بود و حجامت میکرد . و بقول مادرشان لبابه است . ابوسعید وهب بن ابراهیم بن طازاد برای من حکایت کرد که ، علی بن حسین و ابوالعباس احمد بن محمد بن ثوابه در کشت زاری گفتگو و مناظره داشتند و در خانه یکی از رؤسا . که گویا عبیدالله بن سلیمان باشد مجلسی نمودند و علی بن حسین گفتگو با ابوالعباس را در آن مجلس پیرادرش ابوالقاسم جعفر بن حسین واگذار کرد . ابوالعباس زبان بدشنام و استهزاء گشوده و از جمله سخنانش این بود ، که شما با ربودن مال مردم<sup>۳</sup> زندگانی مینمائید . علی بن حسین دست کودک زیبایی را که همراهش بود گرفته ، و در جای خود ایستاده ، و سر را برهنه نموده ، و با صدای رسا گفت : ای گروه نویسندگان ،

۱- جب در حاشیه (بالای ابوالحسن نقطه گذاشته و نوشته است این کلمه بخط مصنف نیست) .

۲- ف (فی السهک) که بمعنی بوی بد - و جب (فی السمک) بمعنی ماهی .

۳- ف (وانما یقتم بالبربره) جب (وانما نقتم بالبربره) و بزبزه ربودن چیز است (منتهی الارب) .



شما مرا میشناسید ، و این کودک فرزند من از فلان دختر فلانی است ، که بطلاق حرج و سنت<sup>۱</sup> بر همه مذاهب ، مطلقه باشد ، اگر این علامتی که در رگهای پشت من است از علامات جد او فلان مزین<sup>۲</sup> نباشد و دیگر نخواست کنیه جد ابن ثوابه را صراحتاً گفته باشد ، ابوالعباس چنان شرمنده و خجل گردید که ندانست چه جوابی گوید<sup>۳</sup> و دیگر درباره آن کشت زار سخنی نگفته ، و بی گفتگو آن را واگذار کرد . و مجلس آرمیدگی و وقاری<sup>۴</sup> بخود گرفت .

ابوالعباس از زمره کسانی بود که مردم صحبتش را خوش نداشتند و مبعوض همه بود . ویرا سخنان ناهنجار و زشتی است که تدوین شده ، و از آن جمله است : برای من گلاب بیاورید تا دهانم را از گفته‌های حاجم<sup>۵</sup> بشویم . و از جمله ، وقتی که امیرالمؤمنین را دید گفت : مردم درس گو شدند و قلم گرفتند ، و پیش افتادند و وزیر شدند .

ابوالعباس در سال دویست و هفتاد درگذشت . و کتاب رسائل مجموع ، کتاب رساله فی الكتابة والخط . از اوست .

### ابو عبدالله محمد

بن احمد ثوابه ، نامه نگار بلیغی بود ، و کتابت میکرد<sup>۶</sup> . و دارای کتاب رسائل است که جمع و تدوین شده .

### ابوالحسین بن ثوابه

آخرین نفر از فضلاء علماء این خاندان است که ما دیده‌ایم . و دارای کتاب رسائل است .

### قدامة بن جعفر

قدامة بن جعفر بن قدامة ، نصرانی بود ، و بردست مکتفی بالله اسلام آورد ، و یکی از

۱- طلاق حرج بمعنی طلاق تحریم آور است . و طلاق دو قسم است ، طلاق البدعه ، و طلاق السنه . طلاق البدعه اقسام سه گانه دارد که نزد شیعیان باطل است . و طلاق السنه سه قسم است . باین ورجمی و طلاق عدّه ، (ر.ک. کتاب الطلاق شرائع ، چاپ محمد رحیم) .

۲- مزین - سر تراش . حجامت کننده (فرهنگ نفیسی) .

۳- ف (لم یجر جواباً) جب (لم یجر جواباً) . ۴- ف (و تفرق اهل المجلس عن ذلك)

جب (وتوقر المجلس عن ذلك) . ۵- ف (حاجم) .

۶- ف (قل قدرایسوا) جب (الناس قد تدرأسوا) .

۷- ف (وکان کتب للمعتضد) جب (وکان یکتب) .

فصیح و فلاسفه با فضلی است که در علم منطق انگشت نما بود. درباره پدرش چیزی نقل نشده<sup>۱</sup> و معلوماتی نداشت. و این کتابها از قدامه است: کتاب الخراج - در هشت منزل، و نهمین منزل را هم بر آن افزود. <sup>۲</sup> کتاب نقد الشعر. کتاب صابون الغم. کتاب صرف الهم. کتاب رسالته فی علی بن مقله، که معروف - بالنجم الثاقب است. کتاب جلاء الحزن. کتاب دریاق - الفكر - فیما عاب به ابا تمام. کتاب السياسة. کتاب الرد علی ابن المعتز. کتاب حشو - حشاه الجلیس. کتاب صناعة الجدل. کتاب نزهة القلوب وزاد المسافر.

### ابن حماده<sup>۳</sup>

ابوالحسن احمد بن محمد بن حماده<sup>۴</sup> کاتب، در ادبیات خوب، و نویسنده فاضلی بود. در ادب کتابها تصنیف کرده و ادیبان را دیده، و این کتابها از اوست: کتاب امتحان - الكتاب و دیوان ذوی الالباب کتاب الرسائل.

### کلواذانی

ابوالقاسم عبیدالله بن احمد بن محمد بن عبدالله بن حسین بن (ابو) الحسن بن خسرو بن فیروز بن آزی بن مهر آذان، از دودمان اردشیر بن بابک<sup>۵</sup> کلواذانی<sup>۶</sup>، متصدی دیوان السواد و جانشین علی بن عیسی، و بر بزرگان، نویسندگان ریاست داشت، و بعد اسماً وزیر گردید. و در ابتدا در دیوان ابن فرات نشو و نما یافته بود. تولدش پیش از سال سیصد، و وفاتش در ... و از کتابهای اوست: کتاب الخراج - دو نسخه است اولی را در سال بیست و شش، و دومی را در سال سیصد و سی و شش تألیف کرده است.

۱ - ف (ممن لا تفکر فیه) جب (ممن لا نقل فیه).

۲ - جب در حاشیه دارد (در هفت منزل و هشتمین منزل را بر آن افزود. و من چندین نسخه دیده‌ام که نوشته بود در هفت منزل، و در مقدمه کتاب نیز هفت منزل را ذکر کرده. و من در یک نسخه دیدم که هشت منزل داشت و بخط دیگر نوشته شده بود. در کتاب السياسة که ترتیب منازل در آن ذکر شده منزل هشتم را ذکر کرده ولی در کتاب الخراج ذکر می‌از آن نشده، و از همین لحاظ جای تأمل است).

۳ و ۴ - ف (ابن حماده).

۵ - ف (فیروز بن ابی المهروان بن اردشیر بن بابک) ۶ - کلواذان دهکده بود میان منطقه بغداد و مدائن، و در دوره عباسیان شهر مهمی گردید. (دلیل خارطة بغداد ص ۳۵).

### (ابوالحسین)<sup>۱</sup>

(اسحاق بن شریح کاتب ، نصرانی ... و این کتابها از اوست : کتاب الخراج - در هزار ورق . کتاب الخراج المعروف . در حدود دویست ورق . کتاب فی الخراج - کوچک) (در حدود صد ورق) .

### ابراهیم بن عیسی

نصرانی، از نویسندگان و ادیبان ظریفی بود . و این کتابها از اوست : کتاب اخبار الحواری<sup>۲</sup> کتاب الرسائل .

### ابوسعید وهب

ابن ابراهیم بن طازاد، (کاتب ، المطیع) . از کسانی است که او را دیده‌ام . فاضل و ادیب و مترسل بود . کتابهای نفیس را جمع آوری میکرد . و فطرتاً نیکوکار ، و از باقیمانده نویسندگانی بود که آنها را دیده‌ایم . و خاندان ابوالحسن<sup>۳</sup> بن طازاد بن عیسی از دست پرورده گان ابوجعفر بن شیرزاد بودند . وفات ابوسعید وهب در ... و این کتابها از اوست : کتاب الزیادات فی الكتاب الذی الفه (ابوه) ابراهیم . کتاب جمع فی اخبار الحله<sup>۴</sup> . و کتاب رسائل من بلاغته .

### ابن نصر

ابوالحسن علی (بن نصر نصرانی ، بن طبیب ...) که چند ماه پیش در گذشت . و از ادیبان صاحب تصنیف بود ، و چندین کتاب دارد که درباره آنها با من مذاکره میکرد ، و گمان دارم که بیشترین آنها را پایان نرسانید . از کتابهای اوست : کتاب ...<sup>۶</sup> الاخلاق - در حدود

- ۱- جب در حاشیه دارد (از اینجا - اشاره با ابوالحسین - تا اینجا - اشاره بصد ورق - بخط مصنف نیست) .
- ۲- ف (الخوارج) .
- ۳- جب (وهو ابوالحسن) ف (وبنو ابی الحسن) .
- ۴- ف (خالد) .
- ۵- جب در حاشیه دارد (خط دیگری) .
- ۶- جب (کلمه ایست ناخوانا) .



هزار و پانصد ورق و بخط خود نوشته و با تصویر و مشتمل بر حکم و آداب است) <sup>۱</sup> . کتاب ادب<sup>۲</sup> السلطان (بیش از هزار ورق) <sup>۳</sup> کتاب البراعة .

### ابن بازيار

ابوعلی احمد بن نصر بن حسین بازيار ، ندیم سیف الدوله ، و جدش نصر بن حسین ، بسامراه کوچ کرده و بمعتمد پیوست ، و اورا چنان خدمت کرد که دلش را بدست آورده بود ، وی اصلاً خراسانی و کارش تربیت مرغان شکاری بود ، و معتضد یکنوع از مرغان شکاری خود را بدست او داد . ابوعلی در حیات سیف الدوله در سال سیصد و پنجاه و دو در حلب وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب تهذیب البلاغه . کتاب اللسان .

### ابن زنجی (کاتب)

و او ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن زنجی کاتب است ، و در خوش خطی مورد ستایش بود . از کتابهای اوست : کتاب رسائله . کتاب الکتاب والصناعة .

### مرزبانی

ابو عبدالله<sup>۴</sup> محمد بن عمران بن موسی بن سعید بن عبدالله ، نژادش خراسانی ، و آخرین نفری از اخباریان صاحب تصنیف است که ما دیده ایم ، راویه ایست صادق اللهجه ، و معرفت بسیاری بروایات دارد و مسموعاتش زیاد است . و تا این زمان که سال سیصد و هفتاد و هفت میباشد حیات دارد ، و ما از خدادند بقاء و تندرستی او را درخواست داریم<sup>۵</sup> و وفاتش در سال سیصد و هشتاد و چهار بوده ، و این کتابها از اوست :

کتاب المؤمنق - در اخبار شاعران مشهور دوره جاهلیت که چنین شروع شده : امرؤ القیس و طبقه او (و بشرح اخبارشان پرداخته) . و مخضرمیان<sup>۶</sup> و اسلامیانی که دنبال

۱ - جب در حاشیه دارد (بخط دیگریست) .

۲ - ف (صحبة) .

۳ - جب در حاشیه دارد (بخط دیگری) .

۴ - ف (ابو عبدالله) .

۵ - جب در حاشیه دارد (از اینجا تا پایان شرح حال مرزبانی بخط مصنف نیست) .

۶ - مخضرمی کسی است که نیمی از عمرش در جاهلیت و نیم دیگر در سلام گذشته باشد (اقرب الموارد) .

آنان آمدند در هر طبقه که بودند. و جریر و فرزدق (و هم‌ردیفان آنها) را در صدر اسلامیان قرارداد و بهترین اخبار آنها را تا آغاز دوره عباسیان (که خداوند آنها را پایدار و مؤید و برقرار دارد) شرح داده است؛ و ابن هرمة، و حسین بن مطیر، و کسانی را ذکر کرده که اشعارشان مورد استشهاد است، و شماره اوراق آن بیش از پنجهزار ورق است.

کتاب المستنیر - در اخبار شاعران مشهوری که بعد پیدا شده و شعر زیادی داشتند با منتخباتی از اشعارشان، بترتیب نسب و زمان آنان. و اولشان بشار بن برد، و آخرشان (ابوالعباس عبدالله) بن معمر (بالله رضی الله عنهما) است و شماره اوراق این کتاب شش هزار ورق بخط مرزبانی در شصت جلد سلیمانی است<sup>۱</sup>.

الکتاب المفید - دارای چندین<sup>۲</sup> فصل است. فصل اول مشتمل بر اخبار شاعرانی که در جاهلیت و اسلام لقبی<sup>۳</sup> داشتند. و اخبار کسانی که بکنیه معروف بوده، یا بکنیه پدر<sup>۴</sup> شهرت داشته، یا بپادشاه شناخته شده، و یا بجدش نسبت داده شده، و یا بنام بردگانش خوانده شده، یا بسایر چیزهایی که از این قبیل میباشد. فصل دوم - در روایتهایی که درباره صفات شاعران و عیبهایی که در بدن و صورت داشتند، چون سیاهی، و کوری از یک چشم، یا دو چشم، و غشو و پیسی. و عیبهایی که در اعضاء بدن، از موی سر گرفته تا پاداشته‌اند. فصل سوم. در آئین و کیش شاعران چون شیعه، اهل کلام، خوارج، و متهمان ب مذهبی. و یهود. و نصاری و امثال آن. و آخرین فصل - در ذکر کسانی است که در جاهلیت برای تکبر و خودخواهی شعر گفتن را ترک کرده، و در اسلام برای پابندی بدیانت، از گفتن شعر پرهیز داشته. و یا برای تظاهر ب برتری، یا برای بزرگواری نفس، و یا برای عفت اخلاقی، از مدیحه‌سرایی، و هجو کردن، و عشق‌بازی و تغزل خودداری کرده، و کسانی که شعرشان در یک زمینه بوده، مانند سید بن محمد حمیری، و عباس بن احنف، و همانند ایشان. (که بیش از پنجهزار ورق است).  
کتاب المعجم - و در آن شاعران را بترتیب حروف تهجی آورده و آغاز آن از کسانی است که اول نامشان الف و بعد آنهایی که اول نامشان ب، و بهمین منوال تا آخر حروف هجاء<sup>۵</sup> مشتمل بر پنجهزار نام، با ذکر پاره‌ای از اشعار مشهور هر یک از آنان. که از هزار ورق بیشتر است.

کتاب الموشح<sup>۶</sup> در چگونگی انتقاد علما از شعر برخی از شاعران از جنبه کسر<sup>۷</sup>

۱ - ف (کتاب عدد ورقه عشرة الاف ورقه فی المسئین بخطه فی سلیمانی).

۲ - ف (عدد فصول) جب (عدة فصول).

۳ - ف (المقلین) جب (الملقین).

۴ - ف (والعمش) جب (والغشو) و غشو پرده‌ایست که روی قلب و چشم پیدا میشود

(اقرب الموارد). - ف (اول اسمه الف الی حرف الیاء).

۵ - ف (الموشح). - ۷ - کسر - نااستقامتی وزن شعر (اقرب الموارد).



ولحن<sup>۱</sup>، وسناد<sup>۲</sup>، وایطاء<sup>۳</sup>، و اقواء<sup>۴</sup>، و احاله<sup>۵</sup> و اضطرار<sup>۶</sup> گفتار، و هلهلة السنج<sup>۷</sup> و سائر چیزهاییکه از معایب شعر بشمار میرود - که بیش از سیصد ورق است<sup>۸</sup>.

کتاب الشعر، مشتمل بر فضائل شعر، و توصیفی از محاسن، و منافع و مضار، و معایب آن و چگونگی انواع و اقسام (و وزن) و عروض آن، و ذکر اشعاری که برگزیده او بوده، و پایه ادبی گویندگان، و اشعاریکه منحول و سرقت شده است (و این کتاب بیش از دوهزار ورق است). کتاب اشعار النساء - بیش از پانصد ورق<sup>۹</sup> کتاب اشعار الخلفاء - بیش از دوست ورق.

کتاب المقتبس - مشتمل بر اخبار نحویان بصره (و ذکر) اول کسیکه در آن سخنی گفته (و کسیکه) در آن تألیفی داشته و اخبار قاریان<sup>۱۰</sup> و راویان از مردم بصره و کوفه، و آنانکه ببغداد رفته و مقیم آنجا شدند. در حدود سه هزار ورق<sup>۱۱</sup>.

کتاب المرشد - (و در آن) اخبار متکلمان (و اهل عدل و توحید، و شمه از مجالسات و نظریات آنان)، در حدود هزار ورق<sup>۱۲</sup>.

کتاب اشعار (ینسب) الی الجن - در حدود یکصد ورق.

کتاب الریاض - در اخبار دلباختگان (که بچند باب تصنیف شده) و مشتمل است بر - بیانی در عشق و منشعبات آن، و آغاز و پایان آن، و نامهایی که لغویان بآن داده، و انواع آن نامها، و مشتقات آنها، با ذکر پاره‌ای شواهد از اشعار دوره جاهلیت، و مخضرمیان، و اسلامیان، و شاعران بعد از آنان (بیش از) سه هزار ورق.

(کتاب الرائق - در اخبار مغنییان، که بیش از هزار و ششصد ورق است).

۱- لحن - خطا در اعراب کلمه (اقرب الموارد).

۲- سناد - در شعر عرب اختلاف حدو است و اختلاف تأسیس (المعجم فی معایب اشعار -

المعجم ص ۲۷۷). ۳- ایطاء - بازگردانیدن قافیتی است دو بار (المعجم، ص ۲۷۸).

۴- اقواء - اختلاف حدو و توجیه است (المعجم، ص ۲۷۶).

۵- احاله - اشاره بیک واقعه در شعر است (فرهنگ دوزی - عربی فرانسه).

۶- ف (اضطراب). ۷- هلهلة السنج - سخیف بودن نسج شعر (المنجد).

۸- ف (عدد ورقه ثلثماته ورقه).

۹- ف (شصد ورق).

۱۰- ف (القراء) جب (القراء).

۱۱- ف (هشتاد ورق).

۱۲- ف (کمتر از صد ورق).



کتاب الوائق - در توصیف غنا و آواز ، و کیفیات و اقسام و طریقه‌های آن ، و اخبار

مفنیان از مرد وزن، چه آنهایی که آزاد بودند و چه آنهایی که برده و زر خریدن شمرده میشدند<sup>۱</sup>

کتاب الازمنه - در شرح چهار فصل، تابستان ، زمستان ، و دو فصل معتدل (و توصیف) گرما ، و سرما ، و ابر ، برق ، باد ، و باران ، و آبیاری ، و استسقاء<sup>۲</sup> و آنچه از اوصاف بهار و خزان است ، و سپس شمه درباره فلك و برجهای آسمانی ، و آفتاب ، و ماه ، و خانه‌های آنها ، و توصیف وقایع بندیهایی که عرب در آن نموده (و ستارگان سیار ، و ثابت و احوال شب و روز) و سرگذشت‌های عرب و عجم ، و ماهها ، و سالها ، و هزاران سالهای گذشته (و هر لغتی که در ابواب این کتاب آمده) چه در اخبار و چه در اشعار ، همه را مشروحاً ذکر نموده ، و در حدود دوهزار ورق است .

کتاب الانوار و الثمار - مشتمل بر پاره اشعاری که درباره گل سرخ ، و نرگس ، و انواع گلها گفته شده ، یا در اخبار و آثار در این باره چیزی آمده ، و سپس ثمره‌های درختی از خرما و سایر میوه‌جات ، و نظم یا نثری خوبی که در این باره گفته شده ، که در حدود پانصد ورق است<sup>۳</sup> .

کتاب اخبار البرامکه - از آغاز کارشان تا زمانیکه جاه و جلالشان نابود گردید ، بطور مشروح ، در حدود پانصد ورق . کتاب المفضل - در بیان ، و عربیت ، و کتابت ، در حدود هفتصد ورق<sup>۴</sup> . کتاب التهانئ - در حدود پانصد ورق . کتاب التسليم والزیاره - چهارصد ورق . کتاب العبادة<sup>۵</sup> در حدود چهارصد ورق . کتاب المغازی - در حدود سیصد ورق . کتاب المراثئ - در حدود پانصد ورق . (کتاب المعلى فی فضائل القرآن - دوست ورق) . کتاب تلقیح العقول - بیش از یکصد باب ، اول - باب (فی) العقل . بعد باب الادب - بعد باب العلم ، و آنچه متجانس و نزدیک بآن است . بیش از سه هزار ورق ، کتاب المشرف ، در حکم و اندرزهای پیغمبر صلی الله علیه و سلم<sup>۶</sup> و مواظ صحابه<sup>۷</sup> رضوان علیهم ، و دیگران ، و پند و اندرزهای

۱ - احتمال میرود که همان کتاب الرائق باشد .

۲ - استسقاء طلب باران ، و آب جوئی (منتهی الارب) .

۳ - میان نسخه چاپی و خطی در ذکر محتویات این کتابها پس و پیشهای فراوان است مانند رقم صفحات هر کتاب که در چاپ فلوکل پس از نام کتاب و در نسخه چستربیتی در پایان شرح محتویات آن کتاب ذکر گردیده است .

۴ - ف (در بیان و فصاحت در حدود سیصد ورق) .

۵ - ف (العبادة) . ۶ - ف (و آله) .

۷ - ف (ومواظظه و اصحابه) .

عرب وعجم هزار و پانصد ورق<sup>۱</sup> . اخبار من تمثیل بالاشعار<sup>۲</sup> ، بیش از یکصد ورق . کتاب الشیاب والشیب در حدود سیصد ورق . کتاب المتوج - در عدل و حسن سلوک - بیش از یکصد ورق . کتاب المدیح - در میهمانی ، و دعوت ، و آشامیدنیاها - در حدود پانصد ورق . کتاب الفرج<sup>۳</sup> ( نزدیک ) بصد ورق . کتاب الهدایا ، در حدود سیصد ورق . کتاب الهدایا - یک نسخه دیگر . کتاب المزخرف ، در دوستان و یاران - بیش از سیصد ورق . اخبار ابی مسلم ( الخراسانی ) صاحب الدعوه ، بیش از یکصد ورق . کتاب الدعاء - ( در حدود ) دوست ورق . کتاب الاوائل - در اخبار پارسیان قدیم و اهل عدل و توحید ، و شمه از مجلسها و نظریات آنان ، در حدود هزار ورق<sup>۴</sup> کتاب المستظرف - در ابلهان ، و چیزهایی نادر - بیش از سیصد ورق . اخبار الاولاد والزوجات والاهل - و آنچه درباره آنها گفته اند از مدح و ذم ، در حدود دوست ورق . کتاب الزهد والزهاد ، بخط مرزبانی ( در حدود دوست ورق ) . کتاب ذم الدنيا ، بیش از یکصد ورق<sup>۵</sup> کتاب المنیر ، در توبه ، و کارهای نیکو ، و پرهیزکاری ، و پاکدامنی ( و مانند آن ) بیش از سیصد ورق<sup>۶</sup> . کتاب الحجاب<sup>۷</sup> یکصد ورق<sup>۸</sup> . ( کتاب المواعظ و ذکر الموت ، بیش از پانصد ورق ) کتاب ( اخبار ) المحتضرن ، در حدود یکصد ورق . کتاب شعر الحاتم الطائی در حدود دوست ورق . کتاب ابی حنیفه النعمان بن ثابت ( و اصحابه ) در حدود پانصد ورق . کتاب اخبار عبدالصمد بن المعدل ، در حدود دوست ورق . کتاب اخبار شعبة بن الحجاج در حدود دوست ورق . اخبار ابی عبدالله محمد بن حمزة العلوی ، در حدود یکصد ورق . کتاب نسخ العهود الی القضاة ، در حدود دوست ورق . کتاب اخبار ملوک کنده - در حدود دوست ورق . اخبار ابی تمام بتهائی ، در حدود دوست ورق .

( و مرزبانی مسوده کتابهای زیادی دارد که شروع بتألیف آنها نموده است چون : )  
 ( اعیان الشعر فی المدیح ، و الهجاء ، و الفخر والجدود - و اخبار الاجواد - و الاوصاف )  
 ( والتشبیهات . و بیش از بیست هزار ورق از کتابهایی که بخط خود داشت وقف کرده است ) .

- |                                |  |
|--------------------------------|--|
| ۱- ف ( در حدود سه هزار ورق ) . | ۲- ف ( المتمثلین فیہ ذکر من تمثیل بشعر ) . |
| ۳- ف ( الفرخ - در حدود ) .     | ۴- جب ( حدود یکصد و پنجاه ورق ) .          |
| ۵- ف ( پانصد ورق ) .           | ۶- ف ( در حدود چهارصد ورق ) .              |
| ۷- ف ( ذم الحجاب ) .           | ۸- ف ( دوست ورق ) .                        |



### ابن تستری

سعید بن ابراهیم بن تستری ، مکنی بابوالحسین ، نصرانی ، و هم‌زمان با ما میباشد ، او و پدرش از دست پروردگان بنوفراتند . و در نامه‌نگاری رعایت سجع را زیاد مینمایند . و این کتابها از اوست : کتاب المقصور والممدود . بترتیب حروف هجاء . کتاب المذکر و المؤنث . بهمان ترتیب . کتاب الرسائل . کتاب رسائله المجموعه فی کل فن - ساخته خود او .

### ابن حاجب نعمان

ابوالحسین عبدالعزیز بن ابراهیم . و پدرش حاجب نعمان بن<sup>۱</sup> عبدالله کاتب است . و ابوالحسین یگانه مرد آن زمان در فضل ، و بزرگواری ، و معرفت بنوشتن دواوین بود ، و در دوران معزالدوله دیوان السواد را داشت ، و کتابخانه بهتر از کتابخانه او دیده نشد ، زیرا محتوی برعین کتاب ، و دیوانهای یگانه‌ای بخط علماء صاحب کتاب بود . وفاتش (در سال) ... و این کتابها از اوست : کتاب نشوة النهار فی اخبار الجوار . کتاب الصبوة . کتاب اشعار الکتاب . کتاب اخبار النساء - معروف - بکتاب ابن الدکانی . کتاب الفرر و مجتبی الزهر . کتاب انس ذوی الفضل فی الولاية والعزل .

### صابی

ابواسحاق ابراهیم بن هلال بن ابراهیم بن هارون<sup>۲</sup> از مترسلان بلیغ و شاعر ، و عالم بهندسه بود ، و در کتابت و بلاغت و شعر ، هنرمندی بیشتری داشت . ولادتش در سال سیصد و بیست و اندی ، و وفاتش قبل از سیصد و هشتاد است . و از تألیفات اوست : دیوان شعر . کتاب دیوان رسائل تا زمان ما ، در حدود هزار ورق . کتاب اخبار اهله و ولد ابیه<sup>۳</sup> - که برای یکی از فرزندانش تألیف کرد . کتاب دولة بنی بویه و اخبار الدیلم و ابتداء امرهم - معروف بتاجی (یا عضدی) . کتاب مراسلات الشریف الرضی ابی الحسن محمد بن الحسن الموسوی .

### اخبار ابو محمد بن یزید

#### مهلبی

ابو محمد حسن بن محمد ، وزیر معزالدوله ، شاعری بلیغ . و باقی مانده گذشتگان بود

۱- ف (نعمان ابی عبدالله) . ۲- ف (زهرون) . ۳- ف (ابنه) .



وفاتش در ... و دارای : کتاب رسائل و توقیعات و دیوان شعر است ، و اشعار کمی دارد .

### صاحب

ابوالقاسم بن عیاد یگانه دوران ، و تنها مرد زمان خود بود . و در بلاغت و فصاحت و شعر همانندی نداشت ، این کتابها از اوست : کتاب دیوان رسائل . کتاب الکافی فی الرسائل کتاب الزیدیه . کتاب الاعیاد و فضائل النیروز . کتاب الامامه - در بیان تفضیل و برتری علی بن ابوطالب و تثبیت امامت پیشینیان او . کتاب الوزراء . کتاب الکشف عن مساوی شعر المتنبی . کتاب مختصر اسماء الله عزوجل و صفاته .

### گروه دیگر

#### حفصویه

نامش ... (پدر بزرگ عبدالعزیز شاعر عسجدی مروزی از طرف مادر بود . و میگفت : رسویه<sup>۱</sup> حفصویه ، کاتبم من چنین آمد از سوی مادر بر آدم<sup>۲</sup>) وی از فضلاء کاتبان در خراج بود . و در کار خود بر همه کس برتری داشت . و اول کسی است که در خراج کتابی تألیف کرد . و این کتابها از اوست : کتاب الخراج . کتاب الرسائل .

#### ابن عبدالکریم<sup>۳</sup>

نامش احمد بن محمد بن عبدالکریم بن ابوسهل - که باو ابوسهل احوال، میگفتند کنیه اش ابوالعباس ، و از برجسته گان و فضلاء و نویسندگان در خراج بود که بر همه برتری داشته و در سال دوست و هفتاد وفات یافت . و از کتابهای اوست : کتاب الخراج .

#### ابن ماشطه

ابوالحسن علی بن الحسن . و مظلوم ویرا با بن ماشطه ملقب داشته و زمانش هم زیاد

۱- در متن هم نقطه ندارد .  
 ۲- جب در حاشیه (بخط دیگر است) .  
 ۳- ف (عبدالکهم) .

دور از ما نیست. وی در حساب و در کار خراج هنرمند و برجسته بوده و این کتابها از اوست: کتاب جواب المعنت، کتاب الخراج - نازک است - کتاب تعلیم بعضی المؤامرات، ( آنرا بخط وی دیده‌ام ).

### ابن بشار

احمد بن محمد بن سلیمان بن بشار، استاد ابو عبد الله کوفی وزیر، و یکی از فضلاء، کاتبان در صنعت بلاغت بود و این کتابها از اوست: کتاب الخراج - و من مسوده آن را بخطش دیدم که در حدود هزار ورق بود. کتاب الشراب<sup>۱</sup> و المنادمه - بخط وی ( دیده‌ام ).

### عبدالله بن حماد

بن مروان کاتب. بیش از این درباره او چیزی نمیدانیم - و از کتابهای اوست: کتاب معانی الشیب و آداب، و فضل الوانه، و ترتیب معداته<sup>۲</sup> و ما قبله<sup>۳</sup> و نظماً و ثراً و الخضبات.

### کاتبی دیگر

معروف بیعقوب بن محمد بن علی، و از کتابهای اوست: کتاب الخضبات و ذم المشیب<sup>۴</sup> و مدح الشباب.

### محمد بن احمد

بن علی بن حماد<sup>۴</sup> کاتب، و از کتابهای اوست: کتاب الخراج.

### ابن سریح

در زمان ما و هم‌اکنون در قید حیا است. نامش اسحاق بن یحیی بن سریح نصرانی مکنی بابو الحسن است، بکارهای دیوانی و سروکله زدن با کارمندان، و صنعت خراج معرفت بسزائی دارد و در نجوم<sup>۵</sup> نیز قدمهایی برداشته و با اطلاع است. ولادتش در شعبان سال سیصد بوده، و این کتابها از اوست: کتاب الخراج الکبیر<sup>۶</sup> و آنرا بدو جزء عوشش منزل در آورده است.

۱- ف (البيوتات).

۲- ف (مقدماته).

۳- ف (الشیب).

۴- ف (کبیر جزئین).

۴- ف (خيار) جب (نقطه ندارد). ۵- ف (در نحو).

کتاب (صناعة) الخراج الصغير . و منازلی برای آن قرار داده . کتاب عمل<sup>۱</sup> الموامرات بالحضرة . کتاب تحویل سنی الموالید - در حدود یکصد ورق . کتاب جمل التاريخ ، جمع شده ...

## گروه دیگر

### باح

ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن غالب اصفهانی ، و باح لقب اوست . فصیح و مترسل و کاتب بود ، و برای گفتن این مصرع در ابیاتی که سروده است ویرا باح خواندند .

### باح بما فی الفواد باحا<sup>۲</sup>

وی بیفداد آمده بر بغیانی در آمد ، و کتاب الرسائل را برای فرزندان او تألیف کرد ، و این کتابها از اوست : کتاب جامع الرسائل - در هشت جزء و بعد جزءنهم را بر آن افزوده و آن کتاب را الموصول نامیده و بترتیب انتشار داد . کتاب التوشیح و الترشیح فی بعض الثنویة<sup>۳</sup> بین الشعوبیه . کتاب الخطب والبلاغة . کتاب الفقر .

### ابو مسلم

محمد بن (مسلم بن) بحر اصفهانی ، کاتب و مترسل و بلیغ و متکلم بود و بسیار مجادله و مناقشه میکرد . و ابوالحسن علی بن عیسی ویرا تعریف کرده و باو دلیستگی داشت . و این کتابها از اوست : کتاب جامع التاویل لمحکم التنزیل علی مذهب المعتزله - در تفسیر قرآن - بزرگ است . کتاب جامع رسائله .

### ابن طباطبائی

ذکرش در شعر و شعرا بیاید<sup>۴</sup> ، و این کتابها از اوست : کتاب سنام المعالی . کتاب عیار<sup>۵</sup> الشعر . کتاب الشعر والشعراء - منتخبات خود او . کتاب دیوان شعره .

۱- ف (علم) .

۲- آشکارا نمود هر چه در دل داشت . آشکار

۳- ف (التسوية) .

۴- (در مقاله چهارم که اختصاص بشعر و شاعران دارد نامی از ابن طباطبائی دیده نمیشود) .

۵- ف (عیار) .



### دیمرتی

نامش ... ودیمرت<sup>۱</sup> جایی است در اصفهان . وی مردی بلیغ و مصنف و از نحویان بشمار میرفت از کتابهای اوست: کتاب تهذیب الطبع .

### ابن ابو عواذل

( و او ... ) .. از کتابهای اوست : کتاب البراعة واللسن .

### ابو حصین

محمد بن علی اصفهانی دیمرتی . و این کتابها از اوست : کتاب مثالب ثقیف و سائر العرب . کتاب الحماسه .

### عبدالرحمن

بن عیسی همدانی ، کاتب بکر بن عبدالعزیز بن ابو دلف ، شاعر و کاتب بود ، و از کتابهای اوست: کتاب الالفاظ .

### ابن عبدکان

نامش محمد ... ، کاتب طولونیه<sup>۲</sup> بلیغ ، و از مترسلان فصیحی بود . و دیوان رسائل بزرگی دارد .

### ابن ابو بغل

نامش (احمد بن) محمد بن یحیی بن ابوبنل ، و مکنی بابوالحسین بود ویرا از اصفهان خواستند ، چون در دوران مقتدر وزارت آنجا را داشت ، و بلیغ ، و مترسل ، و فصیح ، و جوانمرد با انصافی بود . اشعار بسیار خوب و مطبوعی هم دارد . و این کتابها از اوست: دیوان رسائله .

۱- دیمرت - بکر اول و فتح آن و سکون دوم و فتح میم و سکون راء و ت از نواحی اصفهان است (معجم البلدان) .

۲- بنی طولونه یا بنی طولون خاندان احمد بن طولون است که در دوران بنی عباس در سالهای ۲۵۴-۲۹۱ در مصر و شامات امارت و حکمرانی داشتند (ر.ک. قاموس الاعلام ترکی) .

کتاب رسائله فی فتح البصرة .

### محمد بن قاسم کرخي

یکی از کاتبانی است که لیاقت وزارت را داشت، و مترسل بلیغی بود . این کتابها از اوست : دیوان رسائل . دیوان شعره .

### الباحث عن معاصر العلم

نامش محمد بن سهل بن مرزبان ، مکنی بسابو منصور ، از مردم کرخ<sup>۲</sup> و یکی از بلیغان فصیح بود و کسیکه او را دیده بمن گفت : دستهایش از کار افتاده است<sup>۳</sup> و این کتابها از اوست : کتاب المنتهی فی الکمال - مشتمل بر این دوازده کتاب : کتاب مدح الادب . کتاب صفة البلاغة . کتاب الدعاء و التحامید . کتاب الشوق و الفراق . کتاب الحنین الی الاوطان . کتاب التهانی و التعازی . کتاب الامل و المامل . کتاب التشبیات<sup>۴</sup> و الطلب . کتاب الحمد والذم . کتاب الاعتذارات . کتاب الالفاظ . کتاب نفائس الحكم .

### ابوسعده<sup>۵</sup> عبدالرحمن

ابن احمد اصفهانی . مؤلف : کتاب رسائل .

### ابهری اصفهانی

جز این درباره او چیزی ندانیم . و این کتابها از اوست : کتاب تهذیب الفصاحه . کتاب ادب الکاتب . کتاب الندیم .

۱- ف (المقسم) .  
 ۲- کرخ در قدیم دهکده دور افتاده از بغداد بود و حمدالله مستوفی آنرا از مؤسسات شاپور دوم پادشاه ساسانی دانسته و یاقوت حموی ریشه آن کلمه را نبطی گفته و برخی آنرا آرامی یا سریانی دانند و از زمان عباسیان نام محله ایست در غرب بغداد . (ر.ک. دلیل خارطة بغداد ص ۱۱) .

۳- ف (انتقل الیه) جب (اشل الید) .

۴- ف (التشبیات) .

۵- ف (ابوسعید) .

### جیهانی

ابوعبدالله احمد بن محمد بن نصر (جیهانی، کاتب)، وزیر حکمران خراسان. و این کتابها از اوست: کتاب المسالك و الممالك. کتاب آئین. مقالات کتب العهود للخلفاء و الامراء. کتاب الزیادات فی کتاب الناسی فی المقالات<sup>۱</sup>. کتاب رسائل.

### ابوزید بلخی

نامش احمد بن سهل، و از فاضلان در علوم قدیم و جدید بود، و در تصنیفات و تألیفات رویه فلاسفه را داشت. ولی چون برویه ادباء شباهت و نزدیکی بیشتری داشت ما بذکر او در اینجا پرداختیم.

از ابوزید حکایت کرده اند که میگفت: حسین بن علی مرو روذی<sup>۲</sup> که برادری صعلوک داشت<sup>۳</sup>، همیشه برای من مقدار معینی جائزه و صله میفرستاد، و همینکه کتاب بحث در کیفیت تاویلات را تألیف کردم همه آنها را قطع کرد. و ابوعلی جیهانی وزیر نصر بن احمد، جائزه هائی بمن ارزانی میداشت و همینکه کتاب القرا بین و الذبائح را تألیف کردم، مرا از آن محروم داشت. و حسین از قرمطیان<sup>۴</sup> و جیهانی از ثنویه بود.

ابوزید متهم بالحداد شد، و از بلخی حکایت کنند که گفته است، این شخص - یعنی ابوزید مظلوم است. او موحد بوده و من بیش از دیگران او را میشناسم، ما با هم بزرگ شدیم و او در منطق دستی پیدا کرد چون ما منطق را با هم خواندیم و خدا را شکر که ملحد نشدیم.

تألیفات ابوزید: کتاب شرائع الادیان. کتاب اقسام العلوم<sup>۵</sup>. کتاب اختیارات السیر. کتاب کمال الدین (هو الابانة عن اعمال الدین). کتاب السیاسة الکبیر. کتاب السیاسة الصغیر. کتاب فضل صناعة الكتابة. کتاب مصالح الابدان و الانفس. کتاب اسماء الله عزوجل وصفاته. کتاب صناعة الشعر. کتاب فضیلة علم الاخبار. کتاب الاسماء والکنی والالقب. کتاب اسامی-الاشیاء. کتاب النحو والتصریف. کتاب الصورة والمصور. کتاب رسالته فی حدود الفلسفة. کتاب ما یصح من احکام النجوم. کتاب الرد علی عبدة الاصنام. کتاب فضیلة علوم الرياضیات.

۱- ف (کتاب الزیادات فی کتاب آئین فی المقالات).

۲- رجوع شود بصفحة ۹۰ همین کتاب.

۳- جب (وهو اخو صعلوک) ف (واخوه صعلوک) و ممکن است مراد بمعنا یعنی (درویش) باشد.

۴- رجوع شود باسماعیلیه در فن ینجم از مقاله ینجم همین کتاب.

۵- ف (المعلوم).



کتاب فی اقتناء<sup>۱</sup> علوم الفلسفه . کتاب القرائین والذبائح . کتاب عصمة<sup>۲</sup> الانبیاء علیهم السلام . کتاب نظم القرآن . کتاب قوارع القرآن . کتاب العتاک والنساک . کتاب جمع فیہ ما غلق<sup>۳</sup> عنه فی غریب القرآن . کتاب فی آن سورة الحمد ینوب عن جمیع القرآن . کتاب اجوبة ابی القاسم الکنعی الکنعی . کتاب النوادر فی فنون شتی . کتاب اجوبة اهل فارس . کتاب تفسیر صور کتاب السما والعالم لابی جعفر الخازن . کتاب اجوبة ابی علی بن ابی بکر ابن المظفر - معروف بابن محتاج . کتاب اجوبة ابی اسحاق<sup>۴</sup> المؤدب . کتاب المصادر . کتاب اجوبة مسائل ابی الفضل<sup>۵</sup> السکری . کتاب الشطرنج (والنرد) . کتاب فضیلة<sup>۶</sup> مکة علی سائر البقاع . کتاب جواب رساله ابی علی بن المنیر الزیادی . کتاب منیة<sup>۷</sup> الکتب . کتاب البحث عن التاویلات (بزرگ است) . کتاب الرساله السالفة الی العاتب علیه . کتاب رسالته فی مدح الوراقه . کتاب وصیة .

### بشتی<sup>۸</sup>

ابوالقاسم ... از کتابهایش چیزی ندیده‌ام ، ولی ابوعلی بن سوار کاتب (رحمه الله) ، بمن گفت او همان کسی است که کتابخانه وقف بصره را مرتب نمود . و از دوستان علم بوده و شور و شعفی بآن داشت ، و گفت این کتابهای او را در کتابخانه خود در بصره دارم . محمد بن اسحاق گوید : من تردید دارم که بشتی با شین است یا با سین ، زیرا بشت از جاهای معروف سجستان بوده و بش<sup>۹</sup> را ندانم کجاست<sup>۱۰</sup> و ابوعلی آن را با شین نقطه‌دار تلفظ میکرد . و ما تحقیقاتی درباره این شخص و کتابهایش کرده و در جای خود انشاءالله ذکر خواهیم نمود . ابوعلی میگفت این کتابها از اوست : کتاب الاشجار و النبات . کتاب وصف هواء جرجان . کتاب جوابه فی قدم العالم . کتاب فی علة الورد<sup>۱۱</sup> الموجه بوجهین . کتاب صون العلم و سياسة النفس . کتاب رسالته فی سنن<sup>۱۲</sup> عضوا لرئیس من بدن الانسان .

۱- ف (افشاء) . ۲- ف (عصم) . ۳- ف (ماغاب) .

۴- ف (ابی القاسم) . ۵- جب (ابی القتیل) . ۶- ف (فضایل) .

۷- ف (منبه) . ۸- ف (البستی) .

۹- ف (بشت) . ۱۰- بشت بضم شهریست میان سجستان و غزنین و هرات

و از نقاط گرم است و امروز بآن ناحیه گرمسیر گویند . و بشت بضم شهریست در نواحی نیشابور بقول ابوالحسن بن زید بیهقی آن را بدین جهت چنین خواندند که بشتاسف شاه پایه گذار آن بوده ، و آنجا شهرستان است که مرکز آن طریثیت نامیده شده و بقولی نیز چون در بشت سر نیشابور است باین نام نامیده شده و مشتمل بر دو بشت و بیست و شش دهکده است و نیز در بادغیس از نواحی هرات دهکده بنام بشت میباشد (ر.ک معجم البلدان زیر بشت و بشت) .

۱۱- ف (الوزیر) . ۱۲- ف (فی سبرالعضو) .

### حمزة بن حسن

از مردم اصفهان ، ادیب و مصنف بود . و از کتابهای شعری او : کتاب اصفهان و اخبارها . کتاب التشبیهات . کتاب انواع الدعاء . ( کتاب التصحیف ) . کتاب الامثال علی افعال و یدخل فیہ الشعریة و النثریة . کتاب الامثال الصادره عن ثبوت الشعر . کتاب التنبیه علی حروف المصحف . کتاب رسائل . کتاب التماثل فی تباشیر السور .

### حکمویه بن عبدوس

از مردم اطراف جبل<sup>۱</sup> ، و جز این درباره او چیزی نمیدانیم . و از کتابهای اوست : کتاب الشوارد<sup>۲</sup> فی الرسائل .

### سمکه

آموزگار ابن عمید . نامش محمد بن علی بن سعید . و از کتابهای اوست : کتاب اخبار العباسیین .

### کشاجم

ابوالفتح محمود بن حسین ، شعر و ادبش شهرت دارد . و این کتابها از اوست : کتاب ادب الندیم . کتاب الرسائل . کتاب دیوان شعره .

### خشکنانجه<sup>۳</sup> کاتب

از مردم بغداد ، بیشتر در رقه<sup>۴</sup> اقامت داشت ، و بعد بموصل رفت . نامش علی بن وصیف ، که او را علیا میگفتند<sup>۵</sup> وی از بلیغان بتمام معناست ، و چندین کتاب تألیف کرده ، که عبدان رهبر اسماعیلیه آنها را بخود نسبت داد ، و او از دوستان من است که با هم انسی داشتیم ، و در موصل وفات یافت و از شیعیان بشمار میرفت . این کتابها از اوست : ( کتاب الايضاح والتثقیف فی آئین الخراج و رسومه ) ، کتاب النثر الموصل بالنظم . کتاب صناعة البلاغه .

۱- رجوع شود بصفحه ۷۴ همین کتاب .

۲- ف (السواد) .

۳- ف (خشکنانکه) .

۴- رقه - از شهرهای مشهور کنار فرات است (معجم البلدان) .

۵- ف - بجای این جمله دارد (ابوالحسن) .

کتاب الفوائد . دیوان شعره .

### (فرزندش ابوالحسن<sup>۱</sup>)

(احمدبن علی . کاتب وشاعر بلیغی بود، ودرمدینه السلام وفات یافت . و این کتابها)  
( از اوست : کتاب النثر الموصول بالنظم . کتاب صناعة البلاغة . کتاب الفوائد ) .

### ابن کثیر<sup>۲</sup> اهوازی

ابوبکر<sup>۳</sup> احمدبن محمدبن فضل . و از کتابهای اوست : کتاب مناقب<sup>۴</sup> الکتاب .

### ابونمله<sup>۵</sup> نمیلی

و بقولی نملی ، جزاین چیزی از او نمیدانیم . و این کتاب از اوست : کتاب الشذور  
فی موامرات الخلفا والامراء .

---

۱- ظاهراً فلوکل اشتباه کرده و ابوالحسن را کنیه خشکناچه دانسته بدلیل اینکه کتابیای او را ضمن نام خشکناچه ذکر کرده و راجع بفرزند خشکناچه چیزی ندارد .  
۲ و ۳- ف (ابو کبیر) .  
۴- جب (مناوب) .  
۵- ف (ابونمله) .



# (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ)

فن سوم - از مقاله سوم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر :

اخبار ندیمان، جلیسان، و ادیبان، و مغنیان، و صفادمه و صفاعنه<sup>۱</sup>

و کسانیکه مردم را بخنده می‌انداختند، و نام کتابهای آنان

اخبار اسحاق بن ابراهیم موصلی

و پدر<sup>۲</sup> و خانواده<sup>۳</sup> او

ابراهیم در سال یکصد و بیست و پنج بدنیا آمد، و فرزند میمون بود، و میمون، ماهان نام داشت که آن را به میمون برگردانیدند، و ابوالفضل حماد بن اسحاق گوید: پدرم نسب جدم ابراهیم را چنین میگفت، ابراهیم بن ماهان بن بهمن بن نسک. و یزید مهلبی گوید: اسحاق بمن گفت، ما از مردم ارجان<sup>۳</sup> هستیم. و اربابان ما از حنظلیان بودند و کشتزارهایی

۱- رجوع شود بصفحه ۴ همین کتاب. ۲- ق (ابنه) ج (وابیه).

۳- ارجان شهر بیست که در سمت فرسخی غرب شیراز و اهواز قرار دارد. (رک. معجم البلدان).

نزد ما داشتند. و بدین سبب ما را موصلی نامیدند که ....

صولی گوید: اسحاق بن ابراهیم این فرزندان را داشت: حمید، حماد، احمد، حامد، ابراهیم، و فضل. و از فرزندان ابراهیم موصلی جز اسحاق، و طیب کسی دیگر آوازخوان نبود. ابراهیم بسال یکصد و بیست و پنج قدم بدنیا گذاشت، و در سال یکصد و هشتاد و هشت در بغداد از دنیا رفت، و عمرش شصت و چهار سال بود. اسحاق در سال یکصد و پنجاه متولد گردید، و در سال دویت و سی و پنج وفات یافت و هشتاد و پنج سال زندگانی کرد، و او اسحاق بن ابراهیم بن (ماهان بن) بهمن بن نسک است. نژادش از فارس بود، و برای بدهکاری مالیاتی که داشت از ستمگری بنی امیه از فارس گریخته و بکوفه آمد و بر بنی دارم وارد شد. اسحاق همیشه میگفت، میل ندارم پیش از ماه رمضان بمیرم، شاید موفق بروزه گرفتن شوم تا در ترازوی<sup>۱</sup> عملم گذاشته شود، و چند روزی از اول ماه رمضان را روزه داشت و برای هر روز که روزه نمیگرفت صد دینار صدقه میداد، در اواخر ماه رمضان بیماریش سخت تر شده و دیگر نتوانست روزه دار باشد، و بیماریش اسهال بود، و ادریس بن ابوحفصه این مرثیه را درباره او سرود:

سَقَى اللهُ يَا بَنَ الْمُوْصِلِيِّ بُوَابِلِ  
مِنَ الْفَيْثِ قَبْرًا أَنْتَ فِيهِ مُقِيمٌ<sup>۲</sup>  
ذَهَبَتْ وَأَوْحَشَتِ الْكِرَامَ وَرَعْتَهُمْ  
فَلَا غُرُوْا أَنْ يَبْكِيَ عَلَيْكَ صَمِيمٌ<sup>۳</sup>

اسحاق راویه شعر و مآثر عرب بود، و فصحاء زن و مرد عرب را دیده، و آنها هم هنگام آمدن پیای تخت بسوی او میامدند و براو وارد میشدند. در شعر و در آواز هنرمند و در علوم زیادی متفمن بود، و برای هنرمندی که داشت زندگانش از عطاهای دولتیان میگذشت. و این است تألیفات او که خود مباشرت در تصنیف آنها نمود، بجز کتاب الاغانی الکبیر که مورد اختلاف بوده و ما آن را علیحده شرح خواهیم داد: کتاب اغانیه التی غنی بها. کتاب اخبار المیلاء. کتاب اغانی معبد. کتاب اخبار حماد عجرد. کتاب اخبار حنین الخیری. کتاب اخبار ذی الرمه. کتاب اخبار المغنین المکیین<sup>۴</sup>. کتاب اخبار طویس. کتاب سعید بن مسجح. کتاب اخبار الدلال. کتاب اخبار محمد بن عایشه. کتاب اخبار الابخره<sup>۵</sup>. کتاب اخبار ابن صاحب الوضوء<sup>۶</sup>. کتاب الاختیار من الاغانی للوائق. کتاب اللحظ والاشارات. کتاب الشراب - و در آن روایاتی از عباس بن معن، و ابن جصاص، و حماد بن میسره<sup>۷</sup> دارد.

۱- ف (فی مبراتی) جب (فی میزانی).

۲- خدا شاداب سازد - ای زاده موصلی - با بارانهای سیل آسایش آن قبری را که تو در آن میباشی.

۳- رفتی و بزرگان را بوحشت و هراس انداختی و شکفت آور نباشد اگر دوستان بر تو گریان باشند.

۴- ف (المسکین).

۵- ف (الابجر).

۶- ف (الضوء).

۷- (مرة).

کتاب مواریث الحکماء . کتاب جواهر الکلام . کتاب الرقص والزفن . کتاب الندماء .  
 کتاب المنادمات . کتاب النغم والایقاع و عدد مهاله . کتاب (اخبار)<sup>۱</sup> الهدلیبن . کتاب قیان .  
الحجاز . کتاب الرسالة الی علی بن هشام . کتاب منادمة الاخوان و تسامر الخلان . کتاب القیان .  
 کتاب النوادر المتخیره فی النوادر . کتاب الاخبار والنوادر<sup>۱</sup> . کتاب اخبار معبد و ابن سریح  
واغانیها . کتاب اخبار الفریض . کتاب تفضیل الشعر و الرد علی من یحرمه و ینقضه .

### (خبر) کتاب الاغانی الکبیر

بخط ابوالحسن علی بن محمد بن عبید بن زبیر کوفی اسدی خواندم ، که فضل بن محمد  
 یزیدی گفت ، نزد اسحاق بن ابراهیم موصلی بودم ، شخصی براو درآمد و گفت یا ایامحمد ،  
 کتاب الاغانی را بمن بده ، جوابش داد ، آن کتاب الاغانی که من تصنیف کردم ، یا آن که  
 برای من تصنیف کرده اند ، و مقصودش از - من تصنیف کردم - کتاب اخبار المغنیین و احداً  
 واحداً بود ، و از آنکه - برای تصنیف کردند - کتاب اخبار الاغانی الکبیر - بود که در دست  
 مردم است .

### حکایت دیگر درباره آن

ابوالفرج اصفهانی برای من حکایت کرد ، که ابوبکر محمد بن خلف و کعب بمن گفت ،  
 از حماد بن اسحاق شنیدم که میگفت پدرم هیچگاهی این کتاب - یعنی کتاب الاغانی الکبیر -  
 را تألیف نکرده و ندیده است . دلیلش هم این است که بیشتر اشعار منسوب باشخاص که  
 در ضمن اخبارشان گنجانده شده ، تا کنون کسی آوازی در آن نخوانده است<sup>۲</sup> ، و بیشتر  
 چیزهایی که با آواز خوانها نسبت داده شده بخطا بوده ، و دلیل بطلان این کتاب همان تألیفی  
 است که پدرم از آواز آنان کرده است . پدرم وراقی داشت که بعد از وفاتش این کتاب را  
 جعل کرد ، بجز رخصت نامه که در اول آن است و تألیف پدرم میباشد . منتهی اخباری را  
 که در آن آورده تماماً از ما روایت نموده است .

ابوالفرج بمن گفت این بود حکایتی که از ابوبکر و کعب شنیده و بخاطر سپرده بودم  
 شاید در الفاظش پس و پیشی باشد . و جحظه بمن گفت وراقی که آن را جعل کرده است میباشد ،

۱- ف (الاختیار فی النوادر) .

۲- ف (و مایجی فیها) جب (وماغنی فیها) .



و نامش سندی بن علی ، و در طاق الزبل حجره داشت ، و برای اسحاق وراقی میگرد ، او با همبازش آن را جعل کرده اند . این کتاب در قدیم بکتاب السراه<sup>۱</sup> معروف بود . و در یازده جزء است که هر جزئی باولش نامیده شده و جزء اول رخصت نامه ایست که اسحاق تألیف کرده و خالی از شك و تردید است .

### ترتیب اجزاء کتاب که تا با امروز

#### روایت میشود

|             |  |
|-------------|--|
| اولی آن :   | عَلِقْتُ الْهَوَى مِنْهَا وَلِيداً وَلَمْ يَزَلْ               |
| دومی آن :   | وَلَا أَحْمِلُ الْحَقْدَ الْقَدِيمَ عَلَيْهِمْ                 |
| سومی آن :   | أَلِمُّ بِزَيْنِبٍ أَنَّ الرِّكْبَ قَدُوفَدُوا <sup>۲</sup>    |
| چهارمی آن : | قِفَانِيكَ مِنْ ذِكْرِي حَبِيبٍ وَمَنْزَلِ                     |
| پنجمی آن :  | أَعَاذِلُ أَنَّ الْمَالَ غَادٍ وَ رَائِحِ                      |
| ششمی آن :   | عُوجِي عَلَيْنَا رَبَّةَ الْهُودِجِ                            |
| هفتمی آن :  | يَا بِنْتَ عَاتِكَةِ الَّتِي <sup>۳</sup> أَنْزَلُ             |
| هشتمی آن :  | هَاجِ الْهَوَى لِفُؤَادِكَ الْمَهْتَاجِ                        |
| اولی آن :   | أَلِي الْحَوْلِ يُنْمِي حُبَّهَا وَيَزِيدُ                     |
| دومی آن :   | وَلَيْسَ رَيْسُ الْقَوْمِ مَنْ يَحْمِلُ الْحَقْدَ <sup>۴</sup> |
| سومی آن :   | قَلَّ الْعَزَاءُ لَئِنْ كَانَ الرَّحِيلُ غَدَاً                |
| چهارمی آن : | بَسِقَطِ اللَّوَى بَيْنَ الدُّخُولِ فَحَوْمَلِ                 |
| پنجمی آن :  | وَيَبْقَى مِنَ الْمَالِ الْآحَادِيثُ وَالذِّكْرُ               |
| ششمی آن :   | إِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلِي تَحْرَجِي                          |
| هفتمی آن :  | حَذَرِ الْعِدَى وَ بِهِ الْفُؤَادِ مُوَكَّلِ                   |
| هشتمی آن :  | فَانظُرْ بِتَوْضُحِ بَاكِرِ الْآحْدَاجِ <sup>۴</sup>           |

۱- ف (الشركه) . ۲- جب، (قدوا) . ۳- ف (عاقلة الذی) .

۴- ضرورتی برای ترجمه این اشعار دیده نشد .

نهمی آن :

فَأَنَّكَ كَاللَّيْلِ الَّذِي هُوَ مُدْرِكِي . . . . . وَأَنَّ خَلَّتْ أَنَّ الْمُتَنَائِي عَنْكَ وَأَسْع

دهمی آن :

أَذَا أَذْنَيْتَ . . . . . زَارَهَا ۱ أَهْلَهَا ۲

اسحاق درباره گروهی از شاعران تألیفاتی دارد که از آن جمله است : کتاب اخبار حسان . کتاب اخبار ذی الرمة . کتاب اخبار الاحوص . کتاب اخبار جمیل . کتاب اخبار کثیر . کتاب اخبار نصیب . کتاب اخبار عقیل بن علقمة . کتاب اخبار ابن هرمة .

### حماد بن اسحاق .

صولی گوید : حماد ادیب و راویه بود ، و در بسیاری از مجالس در آواز خوانی پدرش حضور داشته و بزرگان مشایخ پدرش را دیده ، و از ابو عبیده ، و اصمعی شنیده بود . در ادب کتابهای زیادی تألیف کرد ، و بیشترین معلومات پدرش را فرا گرفته بود . دیگری - غیر از صولی گوید : حماد ملقب بسرد بود ، و یحیی بن علی گفته است از پدرم پرسیدم که چرا حماد را سرد مینامند ، جواب داد ، ای پسر ، باو ستم کردند ، او در مجالسی که پدرش داشت حاضر میشد . و اسحاق در ظرافت و تندمزاجی مانند آتش شعله ور بود . وفات حماد در . . . و این کتابها از اوست : کتاب الاشریه . کتاب اخبار الحطیئة . کتاب اخبار ذی الرمة . کتاب اخبار عروة بن اذینه . کتاب مختار غنا ابراهیم - پدر بزرگش . کتاب اخبار رؤبه . کتاب اخبار عبیدالله بن قیس الرقیات . کتاب اخبار الندامی .

### اخبار خاندان منجم از روی ترتیب

ابومنصور نامش آبان حسیس بن ورید بن کاد بن مهابنداد بن حسیس<sup>۳</sup> بن فرخ داد بن استاد (زیار بن) مهر حسیس بن یزدجرد است . و فرزندش یحیی برده مأمون ، و مکنی بابوعلی بوده ، و در ابتداء بفضل بن سهل بستگی داشت ، و او در احکام نجوم بر آئی و نظرش عمل میکرد و پس از پیش آمدی که برای فضل رخ داد<sup>۴</sup> . مأمون او را برای خود برگزید ، و باسلام آوردن ترغیب نمود ، و او نیز بردست مأمون اسلام آورده و ویژه او گردید . و در سفر بطرسوس<sup>۵</sup>

۱- ف (دارها) . ۲- ضرورتی برای ترجمه این اشعار دیده نمیشود .

۳- ف (حساس) . ۴- ظاهراً اشاره بکشته شدن فضل بن سهل در حمام بامر

مأمون است (ر.ک. قاموس الاعلام ترکی) . ۵- طرسوس شهر است در مرز شام میان

انطاکیه و حلب (معجم البلدان) .

وفات یافته و در حلب در گورستان قریش بخاک سپرده شده ، و سنگ قبری هم دارد که نامش بر آن نوشته شده است . فرزندان او عبارتند از : محمد ، علی ، سعید ، و حسن . محمد ادب و بلاغتی نیکو ، و فصاحت زبان داشت و کتابهایی تألیف کرد ، و اخبار او مشهور است ، و از جمله کتابهای او . کتاب اخبارالشعر است . و در آواز و نجوم نیز با اطلاع بود . علی بن یحیی ، بمحمد بن اسحق بن ابراهیم مصعبی پیوست ، بعد بفتح بن خاقان پیوستگی پیدا کرد ، و خزانه حکمتی برای او ترتیب داده ، و از کتابهای خود و کتابهاییکه برای فتح نوشت ، آن قدر در آنجا جمع نمود که هیچ خزانه حکمتی آن مقدار کتاب نداشت . و در روزهای آخر دوران معتمد ، وفات یافته ، و در سرمن رای<sup>۱</sup> بخاک سپرده شد . فرزندان او عبارتند از : احمد ابو عیسی ، عبدالله ابوالقاسم ، یحیی ابواحمد ، هارون ابو عبدالله . و هارون کتابهای زیادی تألیف کرده است .

### حکایتی دیگر از این خاندان

ابوالحسن علی بن یحیی بن ابومنصور منجم ، ندیم متوکل ، و نزدیکتر از هر کسی باو ، و از خاصان او بود . و در نزد خلفائیکه بعد از متوکل آمدند ، تا دوران معتمد ، همین مرتبت را داشت ، راویه اشعار ، و اخبار ، و شاعر خوبی بود ، اسحاق را دیده ، و از او آموخته و برای هنرمندیش خلفا ویرا بر همه مقدم میداشتند ، و در مجالس خانوادگی خود او را شرکت میدادند ، و همه رازهای درونی خود را پیش او فاش کرده ، و او را امین اسرار خود میدانستند . وفاتش در سال (دویست و) هفتاد و پنج . و این کتابها از اوست : کتاب (الشعرو) الشعراء القدماء والاسلامین<sup>۲</sup> - و در آن ، از محمد بن سلام ، و محمد بن عمر جرجانی ، و دیگران روایت کرده است . کتاب اخبار اسحاق بن ابراهیم . کتاب الطبیخ .

### فرزندش ابواحمد

یحیی بن علی بن یحیی بن ابومنصور ، در سال دویست و چهل یک بدنیا آمده و در شب دوشنبه سیزدهم ربیع الاول سال سیصد در گذشت . و ندیم موفق و خلفاء بعد از او بود ، و از متکلمان مذهب معتزله بشمار میرفت . و در این باره کتابهای زیادی دارد . در بغداد مجلسی داشت که گروه متکلمان در آن حاضر میشدند . از کتابهای اوست : کتاب الباهر فی اخبار (واشعار) شعراء مخضرمی الدولتین . باین ترتیب : بشار ، هرهه ، طریح ابن میاده ، مسلم ، اسحاق بن ابراهیم ، ابن هفان ، و یزید بن طثریه . و آخرین نفر مروان ابو حفصه است و آنرا

۲- ف (الاسلامية) .

۱- رجوع شود بصفحه ۷۵ همین کتاب .



پایان نرسانید و فرزندش ابوالحسن تصمیم گرفت آنرا پایان رساند ، و شاعرانی که بعد پیدا شده بودند بر کتاب پدر خود بیفزاید ، و ابودلامه ، والیه حباب ، یحیی بن زیاد ، مطیع بن ایاس ، و ابوعلی نصیر را ، بر آن افزود .

ابوالحسن ، متکلم و فقیه بمذهب ابوجعفر ( طبری بود ، من بخط او چند قطعه از کتابهای ابوجعفر را ) در فقه ( دیده ام ) . و ابوالحسن کتابهای دیگر - جز آنچه در بالا گفتیم - دارد و از آن جمله است : کتاب اخبار اهل و نسبهم فی الفرس . کتاب الاجماع فی الفقه علی مذهب الطبری . کتاب المدخل الی مذهب الطبری و نصره مذهبه . کتاب الاوقات .

### ابوعبدالله هارون

بن علی بن یحیی بن ابومنصور . در جوانی بسال دویست و هشتاد و هشت وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب البارع - و آن منتخباتی از شعر ( شعراء ) جدید است بدون شرح حال آنان . کتاب اخبار الشعراء الکبیر که ناتمام مانده و آنچه بدست آمد ، بشار ، ابو عثامیه ، و ابونواس ، است . کتاب النساء و ماجاء فیهن من الخبر و محاسن ما قبل فیهن من الشعر و الکلام الحسن .

### ابوالحسن علی بن هارون

بن علی بن یحیی . او را دیدیم و از او چیزهایی شنیده داریم . راویه ( شعر ) و شاعر و ادیبی ظریف ، و متکلم نیکوکاری<sup>۲</sup> بود . و ندیمی گروهی از خلفاء را پیدا کرد . خود او بمن گفت در سال هفتاد و هفت بدنیا آمده است . و تا سال سیصد و پنجاه و دو که وفات یافت خضاب میبست . و هفتاد و شش سال عمر کرد . این کتابها از اوست : کتاب شهر رمضان - برای راضی تألیف کرد . کتاب النوروز و المهرجان . کتاب الرد علی الخلیل فی العروض . کتاب رسالته فی الفرق بین ابراهیم بن المهدی و اسحاق الموصلی فی الغناء . کتاب ابتداء فیه بنسب اهل - برای مهلبی تألیف کرده و پایان نرسانید . کتاب اللفظ المحیط بنقض ما لفظه اللقیط که معارضه اوست با کتاب ابوالفرج اصفهانی . کتاب الفرق و المعیار بین الاوغاد و الاحرار .

### ابوعیسی

احمد بن علی بن یحیی ، از فضلاء این خاندان و پیش از علی بن هارون بود . و این کتاب از

۱ - ف ( اختیار ) .

۲ - ف ( حبر ) جب ( خیر ) .

اوست : کتاب تاریخ سنی العالم .

### ابو عبدالله هارون

بن علی بن هارون . روش خاندان و پدران خود را داشت . و شاعر و ادیب و عارف بغناء و آواز بوده ، و در کلام هنرمندی و برجستگی داشت . ولادتش در سال ... و وفاتش در سال ... بود . و کتاب مختار فی الاغانی - از اوست .

### خاندان حمدون

حمدون بن اسماعیل بن داود کاتب ، اول نفر این خاندان است که ندیمی داشت . و فرزندش احمد بن حمدون راویه و اخباری بود ، و از عدوی روایت کرده است . از کتابهای اوست : کتاب الندماء و الجلاء .

### ابوهفان مهرمی

ذکر او در شاعران جدید خواهد آمد . از اخباریان ، و راویان ، و صاحب تصنیف بود . این کتابها از اوست : کتاب الاربعة فی اخبار الشعراء . کتاب صناعة الشعر . کتاب بزرگبست که پاره از آن را دیده ام .

### یونس کاتب

معروف بیونس معنی . فرزند سلیمان . مکنی بابوسلیمان ، از مردم فارس است که دوره عباسیان را هم درک کرد . سکری مینویسد وی از بردگان ، و برده زبیر بن عوام بود . کتابهای او در اغانی و مغنیان مشهور است ، و گویند ابراهیم از او آموخته بود . این کتابها از اوست : کتاب مجرد یونس . کتاب القیان . کتاب النغم .

### ابن بانه

نامش عمرو بن بانه<sup>۱</sup> و بانه مادر او ، و پدرش محمد بن سلیمان بن راشد ، برده یوسف بن عمر تقی است . بانه دختر روح . کاتب سلمه وصیف بود ، و کتاب مجرد عمرو بن بانه<sup>۲</sup> از

۱ - ف ( عمرو و بانه امه ) جب ( عمرو بن بانه و هی امه ) .

۲ - ( مجرد الاغانی ) .

اوست . وی از خاصان متوکل و با او مانوس بود . از اسحان و دیگران صنعت آواز را آموخته و در آن هنرمندی داشته ، و تا دوران معتصم زنده بود . در بغداد اقامت داشت ، و گاه بگناه بصره میرفت ، و در سال دوست و هفتاد و هشت وفات یافت .

### صینی<sup>۲</sup>

نامش حبیب<sup>۳</sup> بن موسی ، و صاحب کتاب الاغانی علی حروف المعجم - است . این کتاب را برای متوکل تألیف نموده ، و در آن چیزهایی از آوازه آورده که نه اسحاق . و نه عمرو بن بانه ، از آن ذکر نکرده اند و نام مغنیان زن و مردی را از دوره جاهلیت و اسلام ذکر کرده که شگفت انگیز است . و کتاب الاغانی علی الحروف . و کتاب مجردات المغنیین . از اوست .

### ابوحشیشه

نامش محمد بن علی بن امیه ، مکنی بابو جعفر ، از فرزندان ابو امیه کاتب ، و از طبوریان ماهری در فن خود بود ، و جحظه عقیده داشت که وی این هنر را از او آموخته است . وفاتش در ... و این کتابها از اوست : کتاب المغنی المجید - که آنرا بخطی کهنه دیده ام . کتاب اخبار الطنبوریین .

### جحظه

ابوالحسن احمد بن جعفر بن موسی بن خالد بن برمک ، شاعر و آوازخوانی است که اشعار دل نشینی دارد . و در هنر طنبور حاذق ، و ادبیاتش نیکو ، و ماهر بتمام معنا بود . علما و راویان را دیده و از آنان آموخته ، و اخبار او مشهورتر از آن است که ما بخواهیم در اینجا ذکر کنیم ، برای آنکه در زمان ما حیات دارد . و با این اوصافی که درباره او گفتیم مردی بدسرشت و چرکین است در دینش پاره چیزها ، بلکه خیلی چیزها گفته میشود . ابوالفتح بن نحوی این اشعار جحظه را بر من خواند .

إِذَا مَا ظَمَيْتُ إِلَى رَيْقِهِ      جَعَلْتُ الْمَدَامَةَ مِنْهَا بَدِيلًا<sup>۴</sup>  
وَأَيْنَ الْمَدَامَةَ مِنْ رَيْقِهِ      وَلَكِنْ أُعَلِّلُ قَلْبًا عَلَيْهِ<sup>۵</sup>

۱ - رجوع شود بصفحه ۷۵ همین کتاب . ۲ - ف (النصبی) . ۳ - ف (حسن) .

۴ - اگر تشنه گردم بآب دهانش - بدل گیرم از باده ناب آنرا .

۵ - کجا باده ناب و آب دهانش - تسلایم این دل ناتوان را .



جحظه در واسط<sup>۱</sup> هنگامیکه نزد ابوبکر بن رائق میرفت ، در سال سیصد و بیست و شش به بیماری ورب<sup>۲</sup> در گذشت . و این کتابها از اوست : کتاب الطبیخ - نازک است . کتاب الطنبوریین . کتاب السکباج . کتاب الترنم<sup>۳</sup> . کتاب ماشاهده من امر المعتمد . کتاب المشاهدات . کتاب ما جمعه مما خزنه<sup>۴</sup> المنجمون فصح من الاحکام .

بعد از این اخبار ، اخبار قریص مغنی است که پس از هفده ورق خواهد آمد ، و ترتیبی

است که مؤلف داده .

### برگردیم بمصنفان مشهور

محمد بن اسحاق گوید : اگر از مصنفان مشهور کسی را ذکر کردیم ، بدنبال او کسی را نیز خواهیم آورد که نزدیک و همانند او باشد ، گوآنکه زمان او عقب تر از آن کسی باشد که بعد ذکر گردیده ، و این رویه را ما در تمام این کتاب اتخاذ کرده ایم . خداوند بفضل و کرمش ما را مددکار باشد .

### اخبار ابن ابوطاهر

ابوالفضل احمد بن ابوطاهر ، و نام ابوطاهر ، طیفور است . احمد از زادگان خرامان و فرزندان دولتیان بود ، که در بغداد متولد گردید . جعفر بن حمدان صاحب کتاب الباهر گوید : او ادب آموز کاتبان همگانی بود ، سپس برای تخصصی که پیدا کرد ، در جانب شرقی سوق الوراقین<sup>۵</sup> جایی برای خود داشت . و من در میان تمام کسانی که بتألیف و گفتن شعر شهرت دارند ، کسی را ندیدم که کلمات را باندازه او تصحیف کند . و کند فهمی او را در علم داشته

۱- واسط شهرست میان بصره و کوفه که فاصله آن بیریك از این دو شهر پنجاه فرسنگ است (معجم البلدان) .  
 ۲- ف (الدرب) جب (الورب) و ورب بیماری فساد روده است (المنجد) .  
 ۳- ف (التدیم) .  
 ۴- ف (جریه) .

۵- سوق الوراقین در بغداد میان طاق الحرانی و قنطرة الجدیدة و محل ناشران و کتابفروشان و بیش از صد دکان در آنجا بود (دک . دلیل خارطة بغداد ص ۸۶) .

باشد ، و بخلط کلمات را ادا نماید . شعری را که برای اسحاق بن ایوب گفته بود برای من خواند و بیش از ده جا غلط داشت . و دزدی او از نصف و یا ثلث شعر ، بیش از هر کسی بود . ولی با تمام اینها اخلاقش پسندیده ، و از کاهلان<sup>۱</sup> خوش مشرب و شیرین گفتار بشمار میرفت . ولادتش در سال دوست و چهار . در همان روزی بود که مأمون از خراسان ببغداد آمد . و وفاتش در سال دوست و هشتاد بود ، این کتابها از اوست ؛ کتاب المثنور والمنظوم . این کتاب را در چهارده جزء در آورده ، ولی سیزده جزء در دست مردم است ؛ کتاب سرقات الشعراء . کتاب بغداد . کتاب الجواهر . کتاب المؤلفین . کتاب الهدایا . کتاب المشتق المختلف من المؤلف . کتاب اسماء الشعراء الاوائل . کتاب القاب الشعراء و من عرف بالکنی و من عرف باسم<sup>۲</sup> . کتاب المعروفین من الانبیاء . کتاب الموشا . کتاب اعتذار وهب من حنفته<sup>۳</sup> ( کتاب المفرمین . کتاب المونس . کتاب الحلی والحلل ) . کتاب من انشد شعراً و اجیب بکلام . کتاب مرتبة هر مزین کسری نوشیروان . کتاب خیر الملك العانی<sup>۴</sup> فی تدبیر المملكة و ( فی ) - السیاسة . کتاب الملك المصلح والوزیر المعین . کتاب الملك البابی و الملك المصری الباغیین و الملك الحلیم الرومی<sup>۵</sup> . کتاب العلة والعلیل<sup>۶</sup> . کتاب المزاج والمعاتبات . کتاب المعتذریین . کتاب مفاخرة الورد والفرجس . کتاب الحجاب . کتاب مقاتل الفرسان . کتاب مقاتل الشعراء . کتاب الخیل . بزرگ است<sup>۷</sup> . کتاب الطرد . کتاب سرقات النحویین من ابی تمام . کتاب جمهرة ( نسب ) بنی هاشم . کتاب رسالته الی ابراهیم بن المدبر<sup>۸</sup> کتاب رسالته فی النهی عن الشهوات . کتاب رسالته الی علی بن یحیی . کتاب الجامع فی الشعراء و اخبار هم . کتاب فضل العرب علی العجم . کتاب لسان العیون . کتاب اخبار المتطرفات<sup>۹</sup> . و گویند فرزند او ابو الحسن این دو کتاب را تألیف کرده است .

### کتابهای او در منتخبات اشعار شاعران

اختیار شعر بکر بن النطاح . اختیار شعر دعبل بن علی . اختیار شعر مسلم . اختیار

- ۱- ف ( الکهوب ) جب ( الکهول ) و کاهل یکسانی گویند که میان سی و پنجاه سال باشند ( المنجد ) .
- ۲- جب ( باسمه ) .
- ۳- ف ( حبقته ) .
- ۴- ف ( خیر الملك العالی ) .
- ۵- ف ( الحکیم الرومی ) .
- ۶- جب ( والقلیل ) .
- ۷- ف ( الکبیر ) جب ( کبیر ) .
- ۸- ف ( الولید ) .
- ۹- ف ( المتطرفات ) .

شعر العتایی . اختیار شعر ابی منصور النمری . اختیار شعر ابی العتاهیه . کتاب اخبار<sup>۱</sup> بشار والاختیار من شعره . کتاب اخبار<sup>۲</sup> مروان والاختیار من شعره و اخبار آل مروان . کتاب اخبار ابن میاده . کتاب اخبار ابن هرمه و مختار شعره . کتاب اخبار ابن الدمینة . کتاب اختیار شعر عبدالله بن قیس الرقیات .

### فرزند او عبیدالله

بن احمد بن ابوطاهر ، مکنی بابوالحسین ، رویه پدر را در تألیف و تصنیف داشت . و روایتش از روایات او کمتر است . و احمد حاذقتر و ماهرتر از پدرش بود . و بر کتاب بغداد تألیف پدرش ، این کتابها را افزود ، چون پدرش آنها را تا آخر دوران مهتدی نوشته بود . و ابوالحسین ، اخبار معتمد ، اخبار معتضد ، اخبار مکتفی ، و اخبار مقتدر را - که نا تمام مانده - بر آن افزود . و این کتابها را نیز داشت : کتاب السکباج و فضائلها . کتاب المتطرفات والمتطرفین<sup>۳</sup> .

### خاندان ابونجم

نام ابونجم هلال ، از مردم انبار<sup>۴</sup> و کاتب بود . فرزندش صالح بن ابونجم از مردم بغداد ، و خود ابونجم برده بنی سلیم بود . احمد بن ابونجم از شاعران و کنیه اش ابودمیک<sup>۵</sup> است . گویند ، این گفته خود :

كَأَنَّهُ فِي الْفَلَكَ الدَّوَّارِ صَوْتُ الْمُؤَذِّنِ<sup>۶</sup>

را که برای ابوشیعی خواند ، ابوشیعی گفت : خدا شما گروه بنی سلیم را از میان بردارد خنساء میگوید :

كَأَنَّهُ عِلْمٌ فِي رَأْسِهِ نَارٌ<sup>۷</sup>

و توهم این را میگوئی . پسر برادرشان احمد بن منجم کاتب ، از مترسلان ، و متکلمان و شاعران بود ، و این کتابها از اوست : کتاب التوحید و اقاویل الفلاسفة (فی ذلك) . کتاب

۱- ف (اختیار) . ۲- ف (اختیار) .

۳- ف ( المتطرفات و المتطرفین ) . ۴- رجوع شود بصفحة ۸ همین کتاب .

۵- ف (ابو الرمیل) . ۶- در این فلك گردان چون بانگ اذان باشد .

۷- ف (صوت المردن) . ۷- چون درفش است برشعله آتش دارد .



النواحی فی اخبار الارض . و گویند این کتاب از تألیفات ابو اسحاق ابراهیم بن ابوعون است .

### ابو اسحاق بن ابوعون

ابو اسحاق ابراهیم بن ابوعون احمد بن منجم ، از اصحاب ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی معروف باین ابوعزاقر ، و مورد اعتماد او بود ، چون نسبت باو غلوی داشت ، و او را خدای خود میدانست . تعالی الله عن ذلك . هنگامیکه ابن ابوعزاقر را دستگیر کردند ، او نیز دستگیر ، و پس از چندی گردنش را زدند ، زیرا از وی خواستند که با ابوعزاقر ناسزا گوید ، و خیو براو اندازد ، وی از ترس و شقاوتی که داشت امتناع کرده و بلرزه افتاد . ابو اسحاق ، ادیب و مؤلف و ناقص العقل بود ، و ما خبر او را در ضمن خبر عزاقری ذکر خواهیم کرد . و این کتابها از اوست : کتاب النواحی فی اخبار البلدان . کتاب الجوابات المسکة . کتاب التشبهات . کتاب بیت مال السرور . کتاب الدواوین . کتاب الرسائل .

### اخبار ابن ازهر .

ابو بکر محمد بن احمد بن مزید نجوی اخباری بوسنجی ، نژادش از بوسنج<sup>۱</sup> و هنگامیکه وفات یافت بسیار سالخورده بود . بخط عبدالله بن علی بن محمد بن داود بن جراح ، معروف بابن عرمم ، خواندم که در سال سیصد و سیزده از ابن ازهر پرسیدند چند سال داری ، گفت هشتاد سال<sup>۲</sup> و سه ماه از عمرم سپری شده . و بعد از آن هم مدتی در حیات بود . این کتابها از اوست : کتاب الهرج والمرج فی اخبار المستعین والمعتز . کتاب اخبار العقلاء - المجانین . کتاب اخبار قدماء البلغاء .

### ابو ایوب مدینی

نامش سلیمان بن ایوب بن محمد ، از مردم مدینه ، از ادیبان ظریف ، و عارف بنغا و آواز ، و آوازخوانان بود ، و در این زمینه کتابهایی تألیف کرد ، که از آن جمله است : کتاب اخبار عزة المیلاء . کتاب ابن مسجع . کتاب قیان الحجاز . کتاب قیان مکه . کتاب الانفاق<sup>۳</sup> . کتاب طبقات المغنین . کتاب النعم والایقاع . کتاب المنادمین . کتاب اخبار ظرفاء المدینة . کتاب ابن ابی عتیق . کتاب اخبار ابن عایشه . کتاب اخبار حنین الحیری<sup>۴</sup> . کتاب ابن سریح .

۱ - بوسنج از دهات ترمذ است (معجم البلدان) .

۴ - ف (الحری) .

۳ - ف (الانفاق) .

۲ - ف (سی سال) .

## تغلبی

نامش محمد بن حارث ، و در دستگناه فتح بن خاقان بود . این کتابها از اوست :  
کتاب اخلاق الملوك ( برای فتح بن خاقان تألیف کرد ) . کتاب رسائله . کتاب الروضه .

## ابن حرون

نامش محمد بن احمد بن حسن<sup>۱</sup> بن اصبع بن حرون ، تألیفات و تصنیفاتش خوب و ادب  
نیکوئی داشته ، و از مردم بغداد ، و دودمان نویسندگان بود . این کتابها از اوست :  
کتاب المطابق و المجانس . کتاب الحقایق - بزرگ است . کتاب الشعر والشعراء . کتاب  
الاداب . کیاب الریاض . کتاب الکتاب . کتاب المحاسن . کتاب مجالسة الرؤساء .

ابن خردادبه<sup>۲</sup>

( باید بر این عماره مقدم آورده شود )

ابوالقاسم عبیدالله بن احمد بن خردادبه ، و خردادبه گبری بود که بردست برمکیان  
اسلام آورده و اداره نامه رسانی و خبر در نواحی جبل<sup>۳</sup> با او بود . و ندیم معتمد و ویژه او  
گردید . این کتابها از اوست : کتاب المسالك والممالك . کتاب الطبیخ . کتاب ادب السماع .  
کتاب جمهرة انساب الفرس والنوافل . کتاب اللهو والملاهی . کتاب الشراب . کتاب الانواء .  
کتاب الندماء والجلساء .

ابن عمار<sup>۴</sup> ثقفی

ابوالعباس احمد بن عبیدالله بن محمد بن عمار<sup>۴</sup> ثقفی کاتب ، و کالت کارهای قاسم بن  
عبیدالله ، و فرزندانش با او بوده ، و با ابو عبدالله محمد بن ( داود بن ) جراح مصاحبت داشته ،  
و از وی روایت میکرد . مجالس و اخباری دارد . و در سال سیصد و نوزده وفات یافته . و  
این کتابها از اوست . کتاب المبیضة فی اخبار آل ابيطالب . کتاب الانواء . کتاب مثالبا بی نواس<sup>۵</sup> .

۱- ف (الحسین) . ۲- بدستور مؤلف ما او را پیش از ابن عماره آوردیم .

۳- رجوع شود بصفحه ۷۴ همین کتاب . ۴- ف (عمار) .

۵- ف (ابی خراش) .

کتاب اخبار سلیمان بن ابی شیخ . کتاب الزیادات فی اخبار الوزراء . کتاب حجر بن عدی . کتاب رسالته فی بنی امیه . کتاب اخبار ابی نواس . کتاب اخبار ابن الرومی والاختیار<sup>۱</sup> من شعره . کتاب رسالته فی تفضیل بنی هاشم و اولیائهم و ذم بنی امیه و اتباعهم . کتاب المناقضات . کتاب رسالته فی امر ابن المحرر المحدث . کتاب اخبار ابی العتاهیه . کتاب اخبار عبدالله بن معاویة بن جعفر . ( کتاب رسالته فی مثالب معاویة ) .

### سرخسی

ابوالفرج احمد بن طیب سرخسی<sup>۲</sup> ، ادیبی بلیغ ، و روایت بسیاری دارد . و این کتابها از اوست : کتاب السياسة . کتاب المسالك و الممالك . کتاب ادب الملوك . کتاب الدلالة علی اسرار الغناء .

### جعفر بن حمدان موصلی

ابوالقاسم جعفر بن حمدان موصلی ، فقیه و صاحب تألیفات و تصنیفات خوبی است فقاهتش بر مذهب شافعی و از شاعران و ادیبانی بود که در نقد شعر توانائی داشت و روایات بسیاری دارد . در فقه نیز کتابهایی دارد که ضمن شرح حال فقهاء بآن اشاره خواهیم کرد . و کتابهای ادبی او بدینقرار است : کتاب الباهر فی الاختیار من اشعار المحدثین ( و بعض- القدمات و السرقات ) . کتاب الشعر و الشعراء الکبیر - ناتمام . کتاب السرقات - ناتمام ، و اگر آن را بیایان میرسانید مردم را بی نیاز از کتابهایی در این معنا میداشت . کتاب محاسن اشعار المحدثین - نازکست .

### ابوضیاء نصیبی

ابوضیاء بشر بن یحیی بن قنبری<sup>۳</sup> نصیبی از مردم نصیبین<sup>۴</sup> و از شاعرانی است که شعرش کم ، و ادبش فراوان بود . این کتابها از اوست : کتاب سرقات البحتری من ابی تمام . کتاب الجواهر . کتاب الاداب . کتاب السرقات الکبیر - ناتمام .

۱- ف (والاختیارات) .

۲- سرخس بفتح اول و سکون دوم از شهرهای قدیم خراسان است و در میان نیشابور و مرو قرار دارد (معجم البلدان) .

۳- ف (القینی) .

۴- نصیبین از شهرهای آباد و در راه قافله میان موصل و شام قرار دارد (معجم البلدان) .



### ابن ابومنصور موصلی

یحیی بن ابومنصور، خانواده اش در موصل زیاد هستند، و کتابهایش در دسترس همه بوده، و ادب بسیار خوبی داشت. و این کتابها از اوست: کتاب الاغابی - که بترتیب حروف، آنرا تألیف کرد. کتاب المعارض. کتاب العود والملاهی. کتاب الطبیخ - نازک است.

### ابن مرزبان

ابوعبدالله محمد بن خلف بن مرزبان، طریقه<sup>۱</sup> احمد بن طاهر را پیروی میکرد. و اخبار و اشعار. و چیزهای نمکینی در حفظ داشت. این کتابها از اوست: کتاب الحاوی فی علوم القرآن - کتاب بزرگ است در هفده جزء. کتاب اخبار ابی قیس الرقیات و مختار شعره. کتاب المتمرین. (کتاب) المعصومین. کتاب الشراب - مشتمل بر چندین کتاب. کتاب - المتباعدین<sup>۲</sup>. کتاب الروض (والزهر). کتاب الجلساء والندماء. کتاب السودان و فضلهم علی البیضان. کتاب القاب الشعراء. کتاب الشعر و الشعراء. کتاب الهدایا. کتاب الشتاء و الصیف. کتاب النساء والفرز. کتاب اخبار عبدالله بن جعفر بن ابیطالب، رضی الله عنهم. کتاب ذم الحجاب و العتب علی المحتجب. کتاب ذم الثقلاء. کتاب اخبار العرجی.

### کسروی.

معروف بعلی بن مهدی. کنیه اش ابوالحسین، آموزگاری ادیب، با محفوظات و معرفت، بویژه بکتاب العین بود، در ابتدا ادب آموز فرزندان هارون بن علی (بن یحیی) ندیم گردید و سپس با بونجم بدر معتضدی پیوست. و از کتابهای اوست: کتاب الخصال. کتاب مناقضات من زعمانه لاینبغی ان یقتدی القضاة فی مطاعمهم بالائمة والخلفاء. و این کتاب بکسروی کاتب، نسبت داده شده است. کتاب الاعیاد والنواریز. کتاب مراسلات الاخوان و محاببات الخلان.

### ابن بسام شاعر

علی بن محمد بن نصر بن منصور بن بسام، و مادرش امامه دختر حمدون ندیم - از یک پدر و مادر است و از شاعران و ادیبان و نویسندگان ظریفی بوده، و از زبانش کسی سلامت در نمرقت، وفاتش در ... و این کتابها از اوست: کتاب اخبار عمر بن ابی ربیع - که بلیغ تر

۱ - ف (طریقه) جب (طریقه). ۲ - (المساءدین).

از آن کتابی در این معنا ندیده‌ام . کتاب الزنجیین و هم المعاقرون . کتاب دیوان رسائله .  
کتاب مناقضات الشعراء . کتاب اخبار الاحوص .

### مروزی

نامش جعفر بن احمد مروزی ، کنیه‌اش ابوالعباس ، یکی از مؤلفان کتاب ، در سایر علوم بود ، و کتابهایش خواهان بسیاری داشت . و اول کسی است که در مسالك و ممالك کتابی تألیف کرد ، ولی با تمام نرسانده و در اهواز وفات یافته ، و جنازه او را ببغداد آوردند ، و کتابهایش در سال دوست و هفتاد و چهار در طاق الجرائی<sup>۱</sup> بفروش رفت . و این کتابها از اوست : کتاب المسالك و الممالك . کتاب الاداب الكبير . کتاب الاداب الصغير . کتاب تاریخ (آی) القرآن لتأييد كتب السلطان . کتاب البلاغة والخطابه . کتاب الناجم .

### صولی

ابوبکر محمد بن یحیی بن عباس صولی . از ادیبان ظریف و علاقمند بجمع آوری کتاب بود . در ابتدا آموزگار ، راضی و سپس ندیم او گردید ، و پس از آن ، ندیمی مکتفی و مقتدر را نیز در يك وقت و زمان داشته و کارهایش روشنتر و مشهورتر ، و زمانش نزدیکتر از آن است که مادر باره او تحقیقاتی نمائیم . در بازی شطرنج در زمان خود ماهرتر از هر کسی بوده و جوانمردی داشت . و تا سال سیصدوسی در قید حیا بود ، و در بصره در پنهانی وفات یافت ، زیرا در باره علی علیه السلام خبری روایت کرد که سنی و شیعه در جستجوی او برای کشتنش درآمدند . این کتابها از اوست : کتاب الاوراق فی اخبار الخلفاء و الشعراء . ناتمام است ، و آنچه از آن بدست آمده ، اخبار تمام خلفاء ، و اشعار فرزندان خلفاء و پدرانشان<sup>۲</sup> از سفاح تا دوران ابن معتر . اشعار بازماندگان بنی عباس که نه خلیفه و نه از تبار خلیفه بودند و اول آن : شعر عبدالله بن علی ، و آخرش شعر ابو احمد محمد بن احمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن عیسی بن منصور است ، پس از آن ؛ اشعار طالبیان فرزندان حسن و حسین ، و فرزندان عباس بن علی ، و فرزندان عمر بن علی ، و فرزندان جعفر بن ابوطالب ، و اشعار فرزندان حارت بن عبدالمطلب است . و بدیبال ایضا اخبار ابن هرمة و منتخبات شعر او ، اخبار سید حمیری و منتخبات شعر او ، و اخبار احمد بن یوسف و منتخبات شعر او ، (و اخبار اسحاق بن ابراهیم و منتخبات شعر او) ، و اخبار سدید و منتخبات شعر او را آورده ،

۱- طاق الجرائی - از محلات بغداد است (ر.ک. دلیل خارطة بغداد ص ۸۸) .

۲- ی (وایاهم) جب (و آباءهم) .